سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) مبارک باد

سه‌شنبه
۹ آذر ۱۴۰۵
۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۳۰ نوامبر ۲۰۲۶

سال سوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۷۰۳

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



یادی از مرحوم استاد ابولفضل زرویی نصرآباد از زبان دوستان و همراهان

بزرگی و مرشدی را بلد بود

۵

رمزگشایی از رفتارهای دولت الزیدی

مرز ایران و عراق، حیاط خلوت کاخ سفید نیست

۳

معمای تشکیل دولت در اراضی اشغالی

گرگ‌ها به جان هم افتادند

۳

رد پای یک سرزمین در کتابخانه‌ها و خیابان‌های جهان

روایت فلسطین در جهان

۴



«آگاه» در گزارشی به بررسی انتصابات جدید دبیر شورای عالی امنیت ملی پرداخت

تحولی آینده‌نگر در شعام

۲

الگوی زن انقلاب اسلامی



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

با پیروزی انقلاب اسلامی و قرارگرفتن دین در متن جامعه به عنوان محور اصلی نظام جمهوری اسلامی، یکی از موضوعاتی که هم در مباحث علمی و هم در عرصه جامعه زیر ذره بین قرار گرفت، مسئله زنان و جنبه‌های مختلف زندگی آنان بود. موضوعاتی مانند حقوق زن، جایگاه و نقش زنان در خانواده، آموزش و تحصیلات، اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مورد کنکاش قرار گرفت و به ظهور دیدگاه‌های گوناگونی نیز منجر شد. قابل توجه است از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، پژوهشگران، فعالان اجتماعی و سیاست‌گذاران در داخل و به خصوص در خارج از ایران به موضوع زن در جامعه پس از انقلاب به عنوان «مسئله‌ای اساسی و ضروری» ورود پیدا کردند. در این میان افرادی بودند و هستند که سعی کردند از سال‌های اولین پس از پیروزی انقلاب اینگونه القا کنند که الگوی زن در غرب هم می‌تواند به عنوان یک الگوی موثر و مهم مدنظر قرارگیرد و در جریان زندگی زن ایرانی مورد توجه قرارگیرد. حتی برخی به تئوریزه کردن این موضوع هم پرداختند، اما هر چه پیش رفتیم متوجه شدیم که الگوی زن انقلاب اسلامی در تعارض و تضاد شدید با الگوی زن غربی است.

یقینا و بر اساس مبانی اصیل الگوی هویتی جدیدی که انقلاب اسلامی برای زنان معرفی کرده است، تضاد جدی با الگوی غالب جهان یا همان الگوی زن غربی دارد و از این‌رو، تقابل جدی در ساحت نظر و در میدان عمل بین این دو الگو دیده می‌شود. لیکن آنچه قابل ملاحظه است بازنمایی صحنه نمایش این تقابل توسط رسانه‌های غربی است که از یک سو غرب را به عنوان مدافع حقوق زن ایرانی و دارای حق پرسشگری و مشارکت اجتماعی ترسیم و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی را ناقض حقوق زنان و عامل «قربانی کردن» زنان معرفی می‌کند. در همین راستا رهبر شهید انقلاب تصریح کردند:

«من یک وقتی گفتم؛ از من سوال کردند که شما در مقابل آنچه غربی‌ها درباره مسئله زن در کشور می‌گویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسئله زن، از غرب طلبکاریم؛ ما مدعی غربیم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم می‌کنند، زن را تحقیر می‌کنند، جایگاه زن را پایین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار می‌دهند؛ آنها باید جواب بدهند.»

(بیانات در دیدار بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱)

امروزه و بر اساس شیوه بازنمایی طرفداران الگوی غربی «مسئله زنان» در جامعه ایرانی یک مشکل لاینحل معرفی می‌شود که نیاز به عمل جراحی آنی و تجویز نسخه‌هایی توسط «دیگری» دارد. در برساخت این تقابل، جای واقعی طرفین عوض شده است. «واقعیت» جای خودش را به «فراواقعیتی» داده است که زندگی، مسائل و چالش‌های زن در غرب را طبیعی جلوه داده و برعکس وضعیت زنان در ایران را غیرطبیعی و اضطراری تصویر می‌کند. در همین راستا و با تکیه بر اندیشه رهبر شهید انقلاب، باید تصریح کنیم:

- اولا مسائل زن ایرانی در جامعه ایرانی و بر اساس الگوهای ایرانی حل خواهد شد.
- ثانیا الگوی غربی نه تنها کارآمد نیست، بلکه هر چقدر به آن تکیه و توجه کنیم مصائب بیشتری برای زن ایرانی به همراه خواهد داشت.

چگونه سیاست ارزی به سود واردکنندگان تمام شد؟

صادرکنندگان خرد، زیر بار تعهدات ارزی

در حالی که بازگشت ارز حاصل از صادرات یکی از الزامات مدیریت بازار ارز و صیانت از منابع ارزی کشور به شمار می‌رود، شیوه اجرای مقررات رفع تعهد ارزی به چالشی جدی برای فعالان اقتصادی، به‌ویژه صادرکنندگان خرد، تبدیل شده است؛ چالشی که از یک سو به احضار و تشکیل پرونده برای هزاران صادرکننده و از سوی دیگر به اختلاف اطلاعات سامانه‌های دولتی و محدودیت روش‌های ایفای تعهد بازمی‌گردد. حالا شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با طرح پیشنهادهایی برای اصلاح مقررات، به دنبال کاهش این موانع است.

اقتصاد صادرات محور تنها با تولید کالا و یافتن بازارهای جدید شکل نمی‌گیرد؛ مسیر صادرات زمانی به رونق پایدار می‌رسد که فعال اقتصادی پس از عبور از موانع تولید، حمل‌ونقل و بازاریابی، در مسیر بازگشت ارز حاصل از صادرات نیز با مقررات پیچیده و محدودیت‌های غیرضروری مواجه نباشد. در غیر این صورت، آنچه باید مشوق توسعه صادرات باشد، خود به مانعی در برابر فعالیت اقتصادی تبدیل می‌شود. این روزها رفع تعهدات ارزی به یکی از دغدغه‌های جدی صادرکنندگان تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که اگرچه در ظاهر به بازگشت ارز حاصل از صادرات و مدیریت منابع ارزی کشور مربوط می‌شود، اما در عمل ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و از اختلاف میان سامانه‌های اطلاعاتی دستگاه‌ها تا نحوه برخورد با صادرکنندگان و تفاوت ظرفیت اقتصادی بنگاه‌های کوچک و بزرگ را دربر گرفته است. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح است که آیا می‌توان با یک نسخه واحد، صادرکننده‌ای را که در مقیاس چند میلیون دلار محصولات کشاورزی، صنایع دستی یا کالاهای دانش‌بنیان صادر می‌کند، در کنار شرکت‌های بزرگ پتروشیمی و فلزی قرارداد و از هر دو انتظار یکسانی در زمینه بازگشت ارز داشت؟

تلاش برای گره‌گشایی از پرونده‌های ارزی در شورای گفت‌وگو

تشدید مشکلات فعالان اقتصادی در زمینه رفع تعهد ارزی موجب شده است این موضوع بار دیگر در دستور کار شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی قرار گیرد. در یکصدوسی‌ونهمین نشست این شورا به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با حضور نمایندگان قوای سه‌گانه و بخش خصوصی، مجموعه‌ای از پیشنهادها و تصمیمات برای تعیین تکلیف مطالبات ارزی واردکنندگان کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی و همچنین تسهیل فرآیند رفع تعهد ارزی صادرکنندگان بررسی و تصویب شد.

در بخش مربوط به مشکلات صادرکنندگان نیز یکی از موضوعات اصلی، نحوه برخورد قضایی و تعزیراتی با پرونده‌های عدم ایفای تعهدات ارزی بود. بر همین اساس، مقررشد دبیرخانه شورای گفت‌وگو طی مکاتبه‌ای با قوه قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی، درخواست کند مبنای احضار صادرکنندگان در پرونده‌های مرتبط، با لحاظ حدنصاب سه میلیون یورو و متناسب با درصد عدم رفع تعهد ارزی ثبت‌شده در سامانه جامع تجارت مورد بازنگری قرارگیرد. این تصمیم در شرایطی مطرح شده است که فعالان اقتصادی از تشکیل پرونده برای صادرکنندگانی سخن می‌گویند که حتی در مواردی بخش عمده یا تمام تعهدات خود را انجام داده‌اند، اما به دلیل اختلاف اطلاعات میان دستگاه‌های مسئول، همچنان با مشکلات اجرایی و قضایی مواجه‌اند. از سوی دیگر، وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز لایحه‌ای را با هدف تسهیل و اصلاح قوانین تجارت خارجی و بازگشت ارز حاصل از صادرات تدوین کرده است. در همین راستا، مقررشد پیشنهادهای دبیرخانه شورای گفت‌وگو و نظرات مطرح‌شده از سوی نمایندگان بخش خصوصی در این لایحه و پیش‌نویس مقررات مرتبط اعمال و پیگیری شود.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز زیر ذره‌بین صادرکنندگان

اما یکی از محورهای مهم مطرح‌شده در این نشست، ضرورت اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و بازنگری در نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات بود. بر اساس پیشنهاد مطرح‌شده، موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات که در تبصره‌های ۶ و ۷ بند «ح» ماده ۲ مکرر این قانون مورد اشاره قرار گرفته است، باید با رویکردی متناسب با الزامات تجارت خارجی، ذیل قانون تجارت یا قانون رفع موانع تولید مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین اصلاح آیین‌نامه بازگشت ارز حاصل از صادرات با رعایت مواد ۲، ۳، ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار از دیگر پیشنهادهای مطرح‌شده در این جلسه بود.

۶ مسیر قانونی برای بازگشت ارز صادراتی

یکی دیگر از موضوعات کلیدی در این نشست، فراهم کردن امکان رفع تعهد ارزی از روش‌های متنوع برای تمامی صادرکنندگان بود؛ چراکه محدود کردن فعالان اقتصادی به مسیرهای مشخص، بدون توجه به تفاوت نوع فعالیت و شرایط تجاری آنها، می‌تواند هزینه‌های صادرات را افزایش دهد. در همین زمینه پیشنهاد شد وزارت صنعت، معدن و تجارت امکان ایفای تعهدات ارزی را از طریق روش‌هایی همچون واردات کالا، حواله ارزی، واردات در مقابل صادرات، واگذاری مستقیم یا غیرمستقیم ارز در مرکز مبادله، تأدیه دیون ارزی و فروش ارز به بانک‌ها و صرافی‌های مورد تایید بانک مرکزی فراهم کند. در کنار تنوع روش‌های بازگشت ارز، مسئله پراکندگی اطلاعات میان دستگاه‌های مسئول نیز مورد توجه قرار گرفت. در حال حاضر اطلاعات مربوط به بازگشت ارز در بخش‌هایی از بانک مرکزی، گمرک و سازمان توسعه تجارت ثبت می‌شود و همین موضوع در برخی موارد زمینه بروز مغایرت و اختلاف در محاسبه تعهدات ارزی را فراهم کرده است.

از این‌رو، پیشنهاد شد اطلاعات مربوط به تمامی روش‌های بازگشت ارز در سامانه جامع تجارت تجمیع و به‌روزرسانی شود تا صادرکنندگان بتوانند وضعیت ایفای تعهدات خود را مشاهده و راستی‌آزمایی کنند. همچنین ایجاد بستر و سامانه رسمی از سوی بانک مرکزی برای شناسایی و واگذاری ارز حاصل از صادرات به واردکنندگان از دیگر پیشنهادهای مطرح‌شده بود. علاوه بر آن، تعدیل حداقل ۱۰ درصدی تعهد ارزی صادراتی برای تمامی صادرکنندگان از طریق اصلاح آیین نامه بازگشت ارز حاصل از صادرات نیز در فهرست پیشنهادهای این نشست قرار داشت. بازبینی مقررات تجارت خارجی از سوی هیات عالی بانک مرکزی و تعدیل مصوبه افزایش حد آستانه بازگشت ارز حاصل از صادرات، شامل درصدهای ۷۰ و ۸۰ درصد، متناسب با اطلاعات ثبت‌شده در سامانه جامع تجارت نیز از دیگر محورهای مورد تاکید بود.

صادرکننده خرد و پتروشیمی با یک نسخه ارزی اداره نمی‌شوند

با وجود طرح این پیشنهادها در شورای گفت‌وگو، به نظر می‌رسد ریشه بخشی از مشکلات صادرکنندگان را باید در یکسان‌نگری سیاست‌گذار به فعالان اقتصادی با ظرفیت‌ها و شرایط متفاوت جست‌وجو کرد؛ موضوعی که محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس، نیز بر آن تاکید دارد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به ظرفیت‌های قانونی برای بازگشت ارز حاصل از صادرات، گفت: در ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصریح شده است که صادرکننده می‌تواند ارز حاصل از صادرات خود را به بانک مرکزی بفروشد، با آن کالای مورد نیاز خود را وارد کند یا ارز خود را به شخص دیگری که قصد واردات کالا دارد، واگذار کند. در جزء ۲ بند «الف» ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز مجددا بر این موضوع تاکید شده است. زنگنه با اشاره به سهم صادرکنندگان خرد از صادرات غیرنفتی کشور افزود: از مجموع حدود ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، سهم این گروه کمتر از ۱۰ میلیارد دلار است و عمده آنها نیز در مقیاس چند میلیون دلار فعالیت می‌کنند. به گفته این نماینده مجلس، ترکیب کالاهای صادراتی صادرکنندگان خرد با صادرکنندگان بزرگ تفاوت دارد و بخش عمده فعالیت آنها در حوزه محصولاتی مانند کشاورزی، صنایع دستی و کالاهای دانش‌بنیان است؛ محصولاتی که عمدتا نهایی یا واسطه‌ای هستند و شرایط تولید و صادرات متفاوتی با محصولات صنایع پتروشیمی و فلزی دارند. وی همچنین به تفاوت حاشیه سود و توان اقتصادی این دو گروه اشاره کرد و گفت: حاشیه سود صادرکنندگان خرد پایین است و آنها برخلاف صنایع پتروشیمی و فلزات که از سودآوری بالاتری برخوردارند، توان اقتصادی مشابهی ندارند؛ با این حال، متاسفانه در سیاست‌های ارزی، صادرکنندگان خرد هم سنگ شرکت‌های بزرگ پتروشیمی، نفتی و فلزی دیده می‌شوند، در حالی که قانون این دو گروه را از یکدیگر تفکیک کرده است.

۲۸ هزار پرونده ارزی؛ اختلاف سامانه‌ها به احضار صادرکنندگان رسید

یکی از انتقادهای جدی زنگنه به نحوه اجرای مقررات ارزی، عمل نشدن به ظرفیت‌های قانونی و برخورد با صادرکنندگانی است که در مواردی تعهدات خود را ایفا کرده‌اند. وی با انتقاد از عملکرد بانک مرکزی در این زمینه اظهار کرد: متاسفانه بانک مرکزی به این قانون عمل نمی‌کند و اخیرا ۲۸ هزار پرونده را به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی کرده است. رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس با اشاره به بررسی نمونه‌هایی از این پرونده‌ها در استان خراسان رضوی افزود: در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد بخشی از صادرکنندگان تعهدات ارزی خود را به‌طور کامل تسویه کرده‌اند، اما به دلیل مغایرت اطلاعات سامانه جامع تجارت با اطلاعات بانک مرکزی، احضار شده‌اند و حتی برای برخی از آنها حکم جلب صادر شده است. به گفته زنگنه، مواردی نیز وجود داشته که میزان تعهد ارزی صادرکننده تنها چند هزار دلار بوده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد نبود هماهنگی میان سامانه‌های اطلاعاتی و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها می‌تواند برای فعالان اقتصادی هزینه‌های سنگینی ایجاد کند. وی با تاکید بر اینکه برای بازگشت ارز صادراتی ۶ روش قانونی پیش‌بینی شده است، تصریح کرد: مسئولان می‌توانند از این روش‌ها برای ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان استفاده کنند و نباید با محدود کردن مسیرهای قانونی، مشکلات بیشتری برای فعالان اقتصادی ایجاد شود.

بازگشت ارز با اجبار محقق نمی‌شود؛ مشوق صادراتی لازم است

زنگنه با تاکید بر ضرورت بازگشت ارز حاصل از صادرات، تصریح کرد: ما نمی‌گوییم ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگردد؛ حرف ما این است که این ارز باید با رعایت عدالت بازگردد. از سوی دیگر، باید برای صادرکنندگان مشوق‌های ارزی در نظر بگیریم و حق نداریم ارز آنها را با قیمتی پایین‌تر خریداری کنیم و سپس در اختیار واردکنندگان قرار دهیم.

این اظهارات در واقع به یکی از چالش‌های مهم سیاست ارزی کشور اشاره دارد؛ جایی که صادرکننده برای تولید و عرضه محصول خود هزینه می‌کند، اما در زمان بازگشت ارز با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود که ممکن است بخشی از حاشیه سود فعالیت اقتصادی او را از بین ببرد. رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس معتقد است سیاست‌های ارزی کشور باید از حمایت یک جانبه از واردکننده به سمت حمایت از صادرکننده تغییر کند.

آنچه از مجموع پیشنهادهای شورای گفت‌وگو و انتقادهای مطرح‌شده در مجلس برمی‌آید، ضرورت بازنگری در شیوه اجرای مقررات ارزی است که از یک سو بازگشت ارز حاصل از صادرات را به عنوان یک ضرورت اقتصادی حفظ کند و از سوی دیگر، میان صادرکننده خرد و بنگاه بزرگ، تفاوت قائل شود. تجمیع اطلاعات در سامانه جامع تجارت، استفاده از روش‌های متنوع قانونی برای رفع تعهد، اصلاح آیین‌نامه‌ها، بازنگری در نحوه رسیدگی به پرونده‌ها و پیش‌بینی مشوق‌های صادراتی می‌تواند بخشی از این مسیر باشد.





پزشکیان، رئیس جمهور:
مسیر مذاکره را با منطق پیش می‌بریم، اما برابر زورگویی سر خم نمی‌کنیم

مجلس با کلیات طرح اصلاح ساختار
وزارت اطلاعات موافقت کرد
تغییر در ساختار امنیتی



مجلس شورای اسلامی روز گذشته در جلسه‌ای که به صورت ترکیبی (حضوری و وبیناری) برگزار شد، گام مهمی در جهت بازسازی و به‌روزرسانی ساختار امنیتی کشور برداشت. تصویب کلیات طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات در صحن علنی، تلاشی برای همگام‌سازی ابزارهای امنیتی با الگوهای نوین جنگ ترکیبی و تهدیدات چندبعدی است.

نهاد قانونگذاری با رأی اکثریت نمایندگان، شامل ۱۶۵ رأی موافق، ۷۰ رأی مخالف و هشت رأی ممتنع، کلیات طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات (مصوب سال ۱۳۶۳) و قانون تعیین ضوابط انتصاب وزیر اطلاعات (مصوب سال ۱۳۶۲) را به تصویب رساند. این تصمیم، پیام‌های چندگانه‌ای به همراه دارد:

۱. تولد نهاد جدید: یکی از مهم‌ترین بخش‌های این طرح، تاسیس سازمان حفاظت اطلاعات و نمایندگی ولی‌فقیه است. این اقدام نشان می‌دهد که حاکمیت در حال حرکت به سمت ایجاد لایه‌های نظارتی و حفاظتی جدید است تا پیوند میان اراده رهبری و ساختار اجرایی وزارت اطلاعات، در سطحی عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر تثبیت شود. **۲. ارتقای سطح تخصصی:** مجلس در بخش مربوط به ضوابط انتصاب وزیر اطلاعات، استانداردها را ارتقا داده است. طبق متن جدید، وزیر اطلاعات می‌تواند دارای تحصیلات در سطح اجتهاد یا کارشناسی ارشد، تخصص ویژه در امور اطلاعاتی و برخورداری از حداقل ۱۰ سال سابقه در سمت‌های مدیریتی میانی یا عالی باشد.

۳. تأکید بر ضرورت تدبیر رهبری: در جریان بررسی این طرح، نکته بسیار مهمی از سوی رئیس مجلس مطرح شد و آن اینکه این اصلاحات نه از سوی نمایندگان، بلکه بر اساس تدبیر و دستور رهبر انقلاب در دستور کار قرار گرفته است. این موضوع، وزن سیاسی و ضرورت این تغییرات را دوچندان می‌کند و نشان می‌دهد این اصلاحات، بخشی از یک برنامه کلان برای بازسازی ساختار حاکمیت است. رئیس خانه ملت پس از تصویب جزئیات این طرح با بیان اینکه جا دارد هم از نمایندگان و هم از دوستانمان در وزارتخانه که همراهی کردند تا این قانون به یک قانون مکفی برای ارتقای وزارتخانه تبدیل شود، تشکر کنم، اظهار کرد: البته این قانون اشکالات ساختاری را حل نمی‌کند و در یک فرصت مناسب حتما باید به موضوعات ساختاری آن پرداخته شود. امیدوارم دولت بعد از مسیر شورای نگهبان که قانون نهایی شد، در معرفی وزیر اطلاعات در این شرایط، ساعتی هم تاخیر نداشته باشد. تصویب کلیات این طرح، نشان دهنده اراده سیاسی برای تغییر در بدنه دستگاه امنیتی کشور است، اما اکنون توپ در زمین شورای نگهبان است. در صورت تایید این تغییرات توسط شورای نگهبان، شاهد گامی در جهت تحول ساختاری در لایه‌های نظارتی و ارتقای سطح تخصصی وزارت اطلاعات خواهیم بود؛ تغییری که می‌تواند ابزارهای امنیتی را با تهدیدات نوین همسو سازد. اما در مقابل، اگر این طرح نیاز به اصلاحات مجدد و ارجاع دوباره به پارلمان پیدا کند، این مسئله نشان خواهد داد، مسیربازسازی معماری امنیت ملی، پرپیچ‌وخم‌تر و طولانی‌تر از آن چیزی است که گمان می‌کردیم. پیش‌بینی می‌شود با توجه به همکاری و مشارکت وزارت اطلاعات، این طرح بتواند از فیلتر شورای نگهبان عبور کند. حال باید منتظر تصمیم ۱۲ عضو حقوقدان و فقیه شورا بود.

حواشی مجلس

در کنار فضای جدی و سنگین بررسی طرح مذکور، صحن مجلس شاهد حواشی سیاسی جالبی هم بود که به فضای مجلس رنگ و بوی مصلحت‌اندیشی داد. محمدباقر قالیباف، در پاسخ به تذکر حجت‌الاسلام نقدعلی که از او خواست همزمان با ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) با ارسال نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، زمینه حضور و آزادی حمید رسایی را فراهم کند، از احتمال پیگیری فرآیند بخشش نماینده مردم تهران خبر داد. وی با اعلام اینکه این درخواست در واقع خواست مجلس و نمایندگان است، گفت: نامه مربوطه را به قوه قضاییه ارسال خواهد کرد.

دریادار ایرانی در مراسم تجدید میثاق فرماندهان نداجا با امام (ره) اعلام کرد
محاصره شکسته شده است

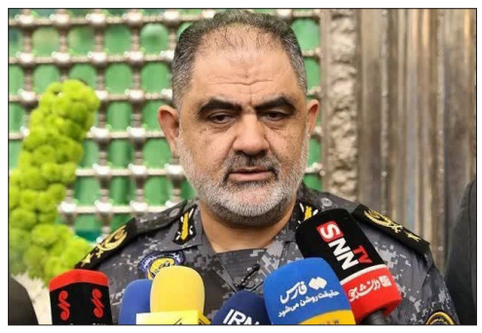

دریادار ایرانی دیروز در حاشیه مراسم تجدید میثاق فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی ارتش با آرمان‌های امام خمینی (ره) در جمع خبرنگاران درباره برنامه نیروی دریایی برای شکستن محاصره دریایی، تصریح کرد: محاصره دریایی شکسته شده است، خود دشمن هم این واقعیت را می داند. ان‌شاءالله این محاصره با پیروزی به پایان خواهد رسید و برای همیشه واژه «محاصره» را از ادبیات دشمن حذف خواهیم کرد. وی افزود: طرف مقابل باید آنچه را که بر عهده‌اش گذاشته شده بپذیرد و به مردم ما احترام لازم را بگذارد؛ پس از آن، مقامات کشور درباره تدابیر بعدی تصمیم‌گیری خواهند کرد و این تدابیر به نیروهای مسلح ابلاغ می‌شود. فرمانده نیروی دریایی در تشریح دستور فرمانده کل ارتش درباره تشدید محدودیت‌ها در تنگه هرمز، اظهار کرد: بر اساس این تدبیر، مالکان همه کشتی‌ها ابلاغیه‌های لازم را دریافت کرده‌اند و هرشناوری برای عبور ایمن از تنگه باید با جمهوری اسلامی ایران و به‌طور خاص نیروهای مسلح هماهنگی داشته باشد. وی تاکید کرد: اگر شناوری بدون رعایت این هماهنگی وارد صحنه شود، با این واقعیت مواجه خواهد شد که ایمنی مورد انتظارش، برخلاف وعده‌هایی که به او داده شده، وجود ندارد و با آن برخورد خواهد شد، حتی عذرخواهی پس از این اقدام نیز پذیرفتنی نیست. فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه تنگه با تمام قدرت بسته است، گفت: نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه با هم‌افزایی بسیار بالا در این زمینه عمل می‌کنند. دشمن نیز به‌خوبی از این موضوع آگاه است و تلاش می‌کند از تمام ظرفیت‌های خود استفاده کند، اما تاکنون موفق نشده و موفق نخواهد شد.

«آگاه» در گزارشی به بررسی انتصابات جدید دبیر شورای عالی امنیت ملی پرداخت
تحولی آینده‌نگر در شعام



در روزگاری که تهدیدات فراتر از مرزهای نظامی و به لایه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی نفوذ کرده‌اند، نهادهای بالادستی نظام نیازمند بازسازی هوشمندانه هستند. انتصابات جدید در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی (شعام) با حکم سرلشکر محسن رضایی، نشانه‌ای از استراتژی تحول است که هدف آن، تقویت ستون‌های اصلی امنیت ملی در حوزه‌های حیاتی انرژی، اقتصاد مقاومتی و امنیت غذایی است.

دو روز پیش رسانه نزدیک به علیرضا زاکانی خبر از انتصابات جدید در شورای عالی امنیت ملی داد. با حکم رضایی، علی‌اکبر محرابیان به عنوان دستیار حوزه انرژی، سیدمحسن دهنوی به عنوان معاون اقتصاد مقاومتی و مهدی دوستی به عنوان معاون زیربنایی دبیرخانه شعام منصوب شدند.

دهنوی قبل از این مسئولیت، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و ریاست مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرای سیاست‌های کلی نظام را برعهده داشت. مهدی دوستی پیش از این، سکان استانداری دولت شهید رئیسی در هرمزگان را بر عهده داشته و در سال ۱۴۰۱ به عنوان استاندار برتر کشور انتخاب شد. او در دولت چهاردهم با حکم اسکندر مؤمنی، وزیر کشور، به معاونت هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزارتخانه مزبور گمارده شد. همچنین علی احمدی نیز به عنوان معاون حقوقی و امور مجلس دبیرخانه شعام منصوب شد. وی سابقه نمایندگی مجلس از حوزه انتخابیه نورآباد ممسنی را در کارنامه دارد.

علیرضا پیمان‌پاک، رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت ایران و قائم‌مقام وزارت جهاد کشاورزی دولت سیزدهم در امور تجارت و تنظیم بازار، نیز با حکم دبیر شورای عالی امنیت ملی به عنوان رئیس قرارگاه امنیت غذایی معرفی شده است.

علی‌اکبر محرابیان، وزیر سابق نیرو در دولت شهید رئیسی، نیز به عنوان دستیار حوزه انرژی دبیر شعام مشغول به کار شده است. مصطفی زمانیان هم به عنوان دستیار حوزه اجتماعی و مجید فولادگرهم به عنوان رئیس حوزه دبیر شورا، فعالیت خود را آغاز کرده‌اند.

ترکیب تخصص، تجربه و مدیریت میدانی

آنچه در این احکام مشهود است، دقت نظر در انتخاب چهره‌هایی است که از ترکیب دانش و تجربه اجرایی برخوردارند. انتصاب سیدمحسن دهنوی به عنوان معاون اقتصاد مقاومتی و مهدی دوستی به عنوان معاون زیربنایی، پیام روشنی دارد؛ امنیت ملی از دل پایداری اقتصادی و زیرساخت‌های مستحکم می‌گذرد. دهنوی با پیشینه در مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز ارزیابی سیاست‌های کلی، حامل نگاه کلان و راهبردی است. در حالی که مهدی دوستی، با تجربه مدیریت اجرایی در استانداری هرمزگان و سوابق توسعه منطقه‌ای، دانش اجرا در میدان را به این نهاد می‌آورد. همچنین معرفی علیرضا پیمان‌پاک به عنوان رئیس قرارگاه امنیت غذایی، نشان‌دهنده جدیت شعام در مواجهه با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عصر حاضر است. پیمان‌پاک با تجربه در تنظیم بازار و تجارت، مهره‌ای است که می‌تواند از لایه‌های زنجیره تامین تا بازارهای جهانی، امنیت غذایی کشور را مدیریت کند. از سوی دیگر، حضور علی‌اکبر محرابیان، وزیر سابق نیرو در حوزه انرژی و علی احمدی در حوزه حقوق و امور مجلس، نشان از آن دارد که نهاد بالادستی نظام در حال تکمیل پازل تخصصی خود است تا بتواند در تمامی جبهه‌های حیاتی از جمله انرژی، قانون و سیاست، با نگاهی جامع و پاسخگویی حداکثری، نقش خود را در حفظ ثبات و امنیت ملی ایفا کند.

زمانیان، سابقه فعالیت در حوزه مطالعات راهبردی و مسائل اجتماعی را دارد. ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری در دولت سیزدهم از مهم‌ترین مسئولیت‌های او بوده و انتخاب وی به عنوان دستیار حوزه اجتماعی دبیر شورای عالی امنیت ملی، نشان‌دهنده توجه به ابعاد اجتماعی امنیت ملی است؛ حوزه‌ای که در شرایط امروز کشور، صرفا با نگاه انتظامی و امنیتی قابل بررسی نیست.

تداوم مسیر شهید لاریجانی و تحول ساختاریافته

یکی از نکات کلیدی که در تحلیل این انتصابات باید به آن توجه کرد، تداوم و ارتقای مسیر دبیر شهید این نهاد است. سرلشکر محسن رضایی در مدیریت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، نه تنها راه را با دقت پیش می‌برد، بلکه به خوبی نشان داده است که میراث علمی و سیاسی بزرگانی همچون شهید لاریجانی را در این نهاد حساس، با روحیه‌ای تازه و در مسیری تحول‌آفرین دنبال می‌کند. او با نگاهی آینده‌نگر، در حال تبدیل کردن شعام از نهاد هماهنگ‌کننده به نهاد تحول‌آفرین است؛ مسیری که در آن، از تکرار ساختارهای قدیمی پرهیز شده و به جای آن، نخبگان و مدیران کارآمد جایگزین شده‌اند. بسیار مهم است در تحلیل این انتصابات جدید، میان دولت و نهادهای بالادستی تمایز قائل شد. دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، با داشتن معاونت‌ها، کارگروه‌ها و مشاوران مستقل خود، از نظر ساختاری در جایگاه تعیین سیاست و نظارت راهبردی قرار دارد و هیچ‌گونه دخالتی در امور اجرایی دولت ندارد. باید توجه داشت، شعام به عنوان مغز متفکر و راهبر امنیت ملی، نقش سیاست‌گذاری و نظارتی را ایفا می‌کند و در این میان، دولت نقش بازوی اجرایی را بر عهده دارد. این تفکیک نقش‌ها، مزیت محسوب می‌شود؛ چرا که باعث می‌شود انتصابات و تصمیمات در شعام، با تغییرات دوره‌ای در دولت، دچار تزلزل نشود و استراتژی‌های امنیتی کشور، همواره با انسجام کامل، مسیر خود را طی کنند و ثبات و پایداری برنامه‌های توسعه و امنیت، با قدرت و استمرار ادامه یابد.

فرجام سخن

انتصابات جدید برگرفته از نگاه و سبک مدیریتی محسن رضایی است. همان شیوه‌ای که او در دوران دفاع مقدس هشت ساله، با اتکا به تخصص، جوان‌گرایی و خرد جمعی در فرماندهی سپاه و مدیریت جبهه‌ها به کار گرفت تا پیروزی را رقم بزند، امروز در دبیرخانه شعام اعمال شده است! در مجموع، انتصابات جدید در دبیرخانه شعام، گواهی بر این واقعیت است! که ایران در حال عبور از دوران مدیریت‌های سنتی به سمت مدیریت‌های تخصصی است. با این تیم جدید، شعام آماده است تا در برابر بحران‌های چندبعدی، نه تنها واکنش نشان دهد، بلکه با پیش‌بینی و سیاست‌گذاری دقیق، راه را برای امنیت پایدار و مقتدرانه کشور هموار کند. این تحول، گامی است بلند در مسیر رسیدن به آنچه امنیت مقتدرانه و خودکفا نامیده می‌شود.

تثبیت منافع ملی کشور در معادلات آینده
چرا ایران بر شروط هفت‌گانه پافشاری می‌کند؟

میثم حمزه‌لو، فعال رسانه‌ای- اصرار ایران بر شروط هفت‌گانه را باید فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی یا مطالبه مقطعی در مذاکرات دانست؛ تهران به دنبال آن است که پایان جنگ، به توافقی منجر شود که امنیت ملی، منافع اقتصادی و حقوق راهبردی کشور را تضمین کند و امکان تکرار سناریوی فشار و تجاوز نظامی را به حداقل برساند.

تاکید مقام‌های ارشد کشور بر ضرورت پذیرش شروط هفت‌گانه ایران از سوی آمریکا، بار دیگر این پرسش را مطرح کرده که چرا تهران تا این اندازه بر اجرای این شروط پافشاری می‌کند و چرا حاضر نیست بدون تحقق مطالبات خود، به شرایط پیش از جنگ بازگردد؟ پاسخ این پرسش را باید در تجربه تقابل‌های گذشته، معادلات جدید امنیتی منطقه و تلاش ایران برای تغییر موازنه مذاکرات جست‌وجو کرد. از نگاه تهران، جنگ صرفا یک درگیری نظامی نیست که با توقف حملات پایان یافته تلقی شود؛ بلکه پیامدهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی آن باید در هر توافقی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، ایران تلاش دارد پایان جنگ را به نقطه‌ای برای تعیین تکلیف مجموعه‌ای از اختلافات و مطالبات تبدیل کند؛ نه اینکه صرفا با یک آتش‌بس موقت، زمینه بازگشت به وضعیت گذشته فراهم شود.

۱. جلوگیری از تکرار جنگ؛ مهم‌ترین دغدغه امنیتی ایران: یکی از دلایل اصلی پافشاری ایران بر شروط خود، ضرورت ایجاد تضمین برای جلوگیری از تکرار حملات نظامی است. از منظر تهران، توقف درگیری‌ها به تنهایی نمی‌تواند امنیت پایدار ایجاد کند؛ زیرا اگر زمینه‌های اصلی تنش و تهدید برطرف نشود، امکان بازگشت بحران همچنان وجود خواهد داشت. ایران در این چارچوب معتقد است هر توافقی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که طرف مقابل نتواند پس از دستیابی به اهداف مقطعی یا بازسازی توان خود، بار دیگر از ابزار نظامی برای اعمال فشار استفاده کند.

این موضوع به‌ویژه با توجه به تجربه مذاکرات و تفاهم‌های پیشین اهمیت دارد. از نگاه ایران، توافق زمانی اعتبار واقعی دارد که تعهدات طرفین روشن، قابل ارزیابی و دارای ضمانت اجرایی باشد. بنابراین، مطالبه تضمین‌های امنیتی و جلوگیری از تکرار تجاوز را می‌توان یکی از پایه‌های اصلی پافشاری تهران بر شروط هفت‌گانه دانست.

۲. پایان جنگ در تمام جبهه‌ها؛ مخالفت با آتش‌بس یک‌طرفه و شکننده: یکی دیگر از محورهای اصلی مطالبات ایران، پایان یافتن درگیری‌ها در تمام جبهه‌های منطقه‌ای است. تهران معتقد است نمی‌توان از پایان جنگ سخن گفت، اما همزمان درگیری در لبنان یا سایر نقاط منطقه ادامه داشته باشد. چنین وضعیتی نه‌تنها به معنای پایان واقعی بحران نیست، بلکه می‌تواند زمینه شکل‌گیری دور جدیدی از تنش‌ها را فراهم کند. از این منظر، امنیت منطقه‌ای به یکدیگر پیوسته است و ادامه درگیری در هر یک از جبهه‌ها می‌تواند بر معادلات امنیتی و سیاسی سایر کشورها اثر بگذارد. اصرار ایران بر توقف جنگ در همه جبهه‌ها، درواقع تلاشی برای جلوگیری از شکل‌گیری یک آتش‌بس ناقص است؛ آتش‌بسی که در آن بخشی از درگیری‌ها متوقف شود، اما ابزارهای فشار و تهدید همچنان فعال باقی بمانند. به همین دلیل، تهران پایان همزمان درگیری‌ها را بخشی از هرگونه توافق پایدار می‌داند.

۳. آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده؛ تبدیل توافق سیاسی به دستاورد اقتصادی: پافشاری ایران بر آزادسازی دارایی‌های مسدودشده، نشان‌دهنده اهمیت بعد اقتصادی توافق احتمالی است. تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی طی سال‌های گذشته، دسترسی ایران به منابع ارزی خود را با موانع مختلفی روبه‌رو کرده است، گرچه جمهوری اسلامی ایران همواره بر این چالش‌ها فائق آمده و بر مشکلات ناشی از تحریم‌ها چیره شده است. از این منظر، آزادسازی دارایی‌های ایران صرفا یک مطالبه مالی نیست؛ بلکه بخشی از تلاش تهران برای دستیابی به نتایج ملموس اقتصادی از مسیر دیپلماسی محسوب می‌شود. ایران نمی‌خواهد پایان جنگ صرفا به توقف حملات نظامی محدود بماند، در حالی که محدودیت‌های اقتصادی و دسترسی نداشتن به منابع مالی همچنان ادامه داشته باشد. به بیان دیگر، از نگاه تهران، توافقی که نتواند بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش دهد و دسترسی کشور به منابع خود را بهبود ببخشد، نمی‌تواند پاسخگوی همه مطالبات ناشی از جنگ باشد.

۴. رفع محاصره دریایی؛ پایان دادن به ابزار فشار اقتصادی: یکی از مهم‌ترین محورهای مورد تاکید ایران، پایان محاصره دریایی و رفع محدودیت‌های اعمال‌شده علیه بنادر و مسیرهای تجاری کشور است. اهمیت این مطالبه از آن جهت است که محدودیت‌های دریایی می‌تواند جریان تجارت خارجی، صادرات نفت، واردات کالا و تامین نیازهای اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد. از نگاه تهران، نمی‌توان در یک سوی میز مذاکره درباره پایان جنگ و کاهش تنش صحبت کرد و در سوی دیگر، ابزارهای فشار اقتصادی و محدودیت‌های دریایی علیه ایران همچنان فعال باقی بماند. در واقع، ایران می‌خواهد میان توقف درگیری نظامی و رفع فشارهای اقتصادی ارتباط برقرار کند تا طرف مقابل نتواند بدون پرداخت هزینه سیاسی و اقتصادی، از مزایای پایان جنگ بهره‌مند شود. این مسئله به‌ویژه در ارتباط با تنگه هرمز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه این آبراه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان است و وضعیت امنیتی آن بر اقتصاد بین‌المللی اثر مستقیم دارد.

۵. تنگه هرمز؛ اهرم راهبردی ایران در معادلات منطقه‌ای: تنگه هرمز در شرایط کنونی، فراتر از یک گذرگاه دریایی، به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های چانه‌زنی ایران تبدیل شده است. اهمیت ژئوپلیتیکی این آبراه و جایگاه آن در تجارت جهانی انرژی، باعث شده است که هرگونه تغییر در وضعیت آن، پیامدهایی فراتر از مرزهای منطقه داشته باشد. از نگاه ایران، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور باید در ترتیبات امنیتی آینده مورد توجه قرار گیرد و تهران نمی‌تواند نسبت به معادلات مربوط به امنیت دریایی در پیرامون خود بی‌تفاوت باشد. به همین دلیل، بازگشایی تنگه هرمز در مواضع ایران با اجرای تعهدات طرف مقابل پیوند خورده است. این رویکرد را می‌توان تلاشی برای جلوگیری از واگذاری یک‌طرفه اهرم‌های چانه‌زنی ایران دانست؛ به‌گونه‌ای که ابتدا تعهدات طرف مقابل در زمینه رفع محاصره و محدودیت‌های اقتصادی اجرا شود و سپس درباره ترتیبات عبور و مرور دریایی تصمیم‌گیری صورت گیرد. البته این سیاست در کنار ظرفیت‌های راهبردی، با مسئولیت‌ها و هزینه‌های بین‌المللی نیز همراه است؛ زیرا اختلال در تردد دریایی می‌تواند بر بازار انرژی، تجارت جهانی و منافع کشورهای منطقه اثر بگذارد.



۶. جبران خسارات و رفع تحریم‌ها؛ مطالبه هزینه‌های جنگ: از منظر تهران، جنگ نباید بدون تعیین تکلیف خسارات وارد شده به کشور پایان یابد. زیرساخت‌های اقتصادی، صنعتی و دفاعی در جریان درگیری‌ها آسیب دیده‌اند و بازسازی آنها به منابع مالی و برنامه ریزی گسترده نیاز دارد. مطالبه جبران خسارات در این چارچوب، تلاشی برای تبدیل پیامدهای جنگ به موضوعی قابل پیگیری در هرگونه مذاکرات است. همچنین ادامه تحریم‌ها پس از توقف درگیری‌ها می‌تواند به معنای تداوم فشار اقتصادی با ابزارهای غیرنظامی باشد. به همین دلیل، تهران رفع محدودیت‌های اقتصادی را بخشی از ترتیبات مورد انتظار خود برای پایان بحران می‌داند.

۷. حفظ حقوق و حاکمیت ملی؛ توافق بدون عقب‌نشینی از منافع راهبردی: بخش مهم دیگری از رویکرد ایران به شروط هفت‌گانه، به حفظ حقوق و حاکمیت ملی بازمی‌گردد. تهران معتقد است مذاکره نباید به ابزاری برای تحمیل خواسته‌های یک‌طرفه تبدیل شود و هیچ توافقی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن حقوق و منافع ملی ایران پایدار باشد. این موضوع در پرونده هسته‌ای و نحوه برخورد با ظرفیت‌های راهبردی کشور نیز اهمیت دارد. از نگاه ایران، هرگونه گفت‌وگو درباره مسائل هسته‌ای باید در چارچوب حقوق قانونی کشور و تعهدات بین‌المللی آن انجام شود و به معنای صرف نظر کردن یک‌طرفه از ظرفیت‌های داخلی نباشد. همچنین توقف مداخله در امور داخلی ایران و احترام به حاکمیت کشور، از دیگر محورهایی است که در مواضع مقام‌های ایرانی مطرح شده است.

چرا ایران حاضر نیست از شروط خود کوتاه بیاید؟

مجموع این مطالبات نشان می‌دهد پافشاری ایران بر شروط هفت‌گانه، بیش از آنکه به یک اختلاف مقطعی در مذاکرات محدود باشد، به تلاش برای تغییر چارچوب آینده حکمرانی در تنگه هرمز و خلیج فارس ارتباط دارد. ایران از یک سو می‌خواهد هزینه‌های امنیتی و اقتصادی جنگ را به رسمیت بشناساند و از سوی دیگر، مانع آن شود که توقف درگیری‌ها به فرصتی برای اعمال مجدد فشار تبدیل شود. در این چارچوب، ترتیب اجرای تعهدات اهمیت ویژه‌ای دارد. تهران نمی‌خواهد ابتدا تمام اهرم‌های خود را واگذار کند و سپس منتظر اجرای وعده‌های طرف مقابل بماند. به همین دلیل، بر اجرای تعهدات طرف مقابل و قابل راستی‌آزمایی بودن آنها تاکید می‌کند. البته تحقق این شروط با چالش‌هایی روبه‌روست. اختلاف تهران و واشنگتن بر سر ترتیب اجرای تعهدات، دامنه رفع تحریم‌ها، وضعیت حضور نظامی آمریکا در منطقه و ترتیبات امنیتی تنگه هرمز، از مهم‌ترین موانع دستیابی به توافق محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، هرگونه توافق باید بتواند میان مطالبات امنیتی ایران، نگرانی‌های کشورهای منطقه و الزامات تجارت و کشتیرانی بین‌المللی توازن ایجاد کند.

آنچه موضع جمهوری اسلامی ایران را در این مقطع متمایز می‌کند، اصرار بر پیوند دادن پایان جنگ با مجموعه‌ای از مطالبات امنیتی، اقتصادی و حاکمیتی است. تهران نمی‌خواهد توقف درگیری‌ها صرفا به معنای بازگشت به شرایط پیش از جنگ باشد؛ شرایطی که از نگاه مقام‌های ایرانی، زمینه تکرار فشارها و تنش‌ها را همچنان حفظ می‌کرد. به همین دلیل، شروط هفت‌گانه را باید چارچوبی برای تعریف مناسبات پس از جنگ دانست؛ چارچوبی که در آن امنیت کشور، دسترسی به منابع اقتصادی، رفع محدودیت‌های دریایی، جبران خسارات و احترام به حقوق ملی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. پیام اصلی این رویکرد آن است که ایران پایان جنگ را صرفا در توقف شلیک‌ها جست‌وجو نمی‌کند، بلکه به دنبال توافقی است که هزینه‌های جنگ را تعیین تکلیف کند، احتمال تکرار آن را کاهش دهد و منافع ملی کشور را در معادلات آینده تثبیت کند.



سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه:

فرهنگ فاطمی مبنای هویت زن مسلمان ایرانی و مسئولیت‌پذیری اسلامی است

رمزگشایی از رفتارهای دولت الزیدی

مرز ایران و عراق، حیاط خلوت کاخ سفید نیست

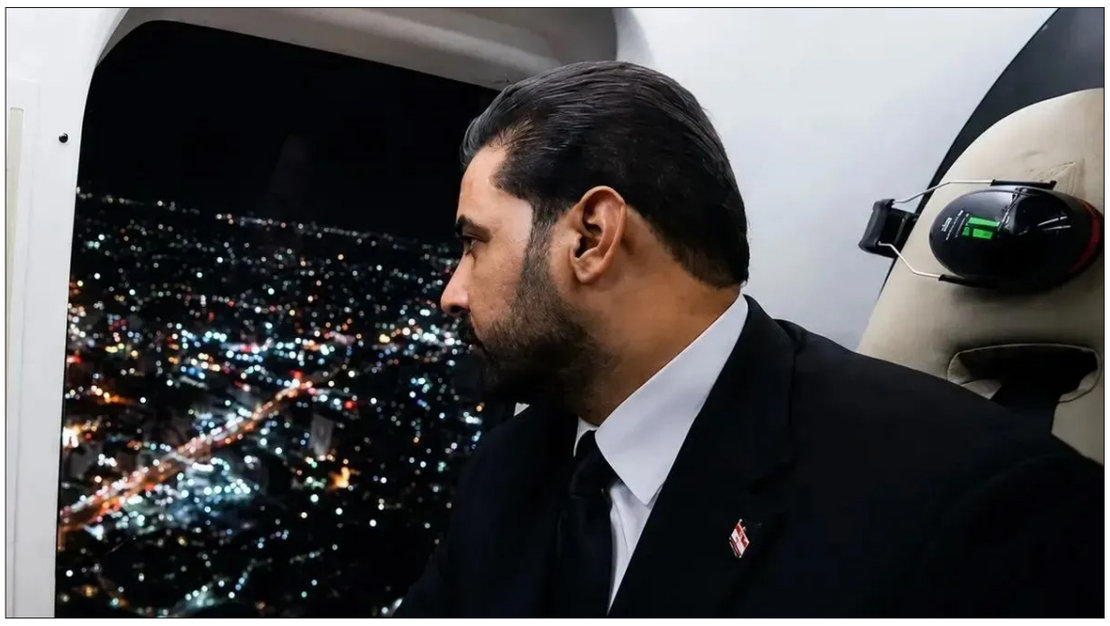

رفتارهای علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، از سوی برخی کانون‌های تحلیلی در داخل کشور ما، ایران ستیزانه قلمداد شده است. این گزاره تحلیلی، به ویژه پس از انسداد مرز با ایران توسط دولت عراق، تشدید و تقویت شد و این ذهنیت شکل گرفت که الزیدی به عنوان عروسک خیمه شب‌بازی واشنگتن، مجری دستورات ضدایرانی کاخ سفید است.

در سطح کلان حاکمیتی در جمهوری اسلامی ایران، هشدارهای لازم به دولت الزیدی در عراق داده شده است و به نخست‌وزیر جوان عراق تذکر داده‌اند که به ویژه در حوزه مرزها، نباید غلام گوش به فرمان کاخ سفید باشد. در همین راستا، محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام رهبری در صفحه ایکس خود نوشت: در هندسه سیاست خارجی ما، هم سرنوشتی با همسایگان اصل اساسی است. ایران در سخت‌ترین روزها با تمام توان کنار ملت عراق ماند و دوستی خود را اثبات کرد. این پیوند ناگسستنی ایجاب می‌کند بغداد در موضوع مرزها هوشیار باشد تا به ابزار دست دشمنان اسلام و اجابت سیاست‌های ترامپ جنایتکار تبدیل نشود.

همچنین سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان نیز در دیدار اخیر خود با قاسم العبودی، مشاور امنیت ملی عراق، تذکرات لازم را به او داد. سرلشکر رضایی در این دیدار بر اجرایی شدن کامل توافقنامه امنیتی میان دو کشور و برقراری امنیت در مرزها تاکید کرد. وی افزود: عراق مستقل، مقتدر و پیشرفته می‌تواند یکی از پایه‌های ترتیبات امنیتی جدید در منطقه باشد. سرلشکر رضایی با تاکید بر گسترش همکاری‌های اقتصادی دو کشور یادآور شد که نباید اجازه داد بیگانگان بر این همکاری‌ها تاثیر منفی بگذارند. مشاور امنیت ملی عراق هم از پایبندی این کشور بر اجرای همه‌جانبه توافقنامه امنیتی تاکید کرد. قاسم العبودی یادآور شد: اراده عراق اجرای کامل توافقنامه امنیتی است و این کشور اجازه نخواهد داد که از آسمان و زمینش علیه ایران و دیگر همسایگان استفاده شود.

نقش تام باراک در اقدامات الزیدی

اما برخی معتقدند که در پشت پرده بعضی از تصمیمات تأمل برانگیز دولت الزیدی در عراق، تام باراک، دیپلمات آمریکایی قرار دارد. باراک یک دیپلمات تاجر است که از طرف شخص دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنایتکار و فاجر آمریکا مامور شده تا دولت عراق را برای اعمال سیاست‌های ضد ایرانی و از جمله مسدودسازی مرزها، تحت فشار قرار دهد. اهرم فشار آمریکا بر عراق نیز عدم پرداخت سهم دولت عراق از فروش نفت خودش است؛ پولی که متعلق به ملت و دولت عراق است، اما آمریکا در بانک مرکزی‌اش یا همان فدرال رزرو بلوکه می‌کند و صرفا برای مصارف مشخص در اختیار بغداد قرار می‌دهد.

کمپین آمریکایی انسداد مرز

همزمان با تصمیمات دولت عراق مبنی بر انسداد برخی گذرگاه‌های مرزی و ایجاد سازوکارهای جدید در صادرات نفت، رئیس جمهور آمریکا و فرستاده ویژه این کشور حمایت علنی خود را از این اقدامات اعلام کردند. روزنامه الاخبار در همین زمینه نوشت: فرماندهی مرزبانی عراق اخیرا از انسداد دو گذرگاه «الولید» در مرز با سوریه و «پشته» در مرز با ایران خبر داده است که تا پیش از این توسط اقلیم کردستان اداره می‌شدند. منابع محلی همچنین از احتمال بسته شدن گذرگاه «شوشمی» در مرز ایران نیز خبر می‌دهند. این تصمیمات در پی دستورات علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، جهت واگذاری انحصاری مدیریت پایانه‌های مرزی به سازمان گذرگاه‌های مرزی فدرال، منحصرکردن مجوزهای صادرات نفت و فرآورده‌های آن به وزارت نفت عراق و مسدودسازی مسیرهای فرعی میان اقلیم کردستان و استان‌های نینوا، کرکوک، صلاح‌الدین و دیالی صورت گرفته است. به نوشته الاخبار، گذرگاه‌های مشترک با ایران از مجاری تبادلات تجاری منطقه به شمار می‌روند و ایجاد محدودیت در آنها می‌تواند پیامدهای اقتصادی مستقیم بر فعالیت‌های تجاری و معیشت شهروندان داشته باشد. از سوی دیگر، دولت عراق مبنای این تصمیمات را اتهامات ناشی از مدیریت پرونده نفت در خارج از کانال‌های رسمی فدرال عنوان می‌کند. حیدر العبودی، سخنگوی دولت عراق، با اشاره به برآوردهای دیوان نظارت مالی، اعلام کرد که خسارت‌های ناشی از صادرات نفت اقلیم بدون هماهنگی با شرکت بازاریابی نفت عراق بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار گذشته است. وی تاکید کرده که عدم واریز درآمدهای نفتی به خزانه فدرال به منزله هدررفت ثروت ملی است. هرچند به نوشته این روزنامه، هنوز محاسبات و اسناد تفصیلی مرتبط با نحوه احصای این عدد منتشر نشده و سرنوشت درآمدهای نفتی همچنان موضوع مناقشات سیاسی میان طرفین است. در همین حال، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در پیامی در پلتفرم تروث سوشال با حمایت از اقدامات الزیدی اعلام کرد که از تلاش‌های نخست‌وزیر عراق برای مبارزه با قاچاق نفت و فساد و ضابطه‌مند کردن سلاح تحت مدیریت نهادهای دولتی حمایت می‌کند. درواقع فرامتن این پیام ترامپ، تشکر از الزیدی برای نقش‌آفرینی در نقشه آمریکا برای انزوای اقتصادی ایران است.

اهمیت ثبات عراق برای ایران

با تمام این تفاسیر، باید توجه داشت که عراق برای جمهوری اسلامی ایران صرفا یک همسایه جغرافیایی نیست، بلکه یکی از کانون‌های اصلی معادلات امنیتی، سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه محسوب می‌شود. هرگونه بی‌ثباتی در ساختار سیاسی و امنیتی عراق، به دلیل پیوندهای عمیق تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی دو کشور، آثار مستقیمی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. از این منظر، باید توجه داشت که ثبات عراق یک منفعت مشترک و راهبردی است و نباید اختلاف نظر با یک دولت یا جریان سیاسی در این کشور، به ارزیابی منفی از کلیت مناسبات ایران و عراق منجر شود. هنر سیاست خارجی آن است که میان اختلافات مقطعی و منافع پایدار تفکیک قائل شود.

ضرورت تفکیک دولت عراق از ملت، مرجعیت و مقاومت

یکی از خطاهای راهبردی در تحلیل تحولات عراق، یکسان انگاری دولت مستقر با تمام ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی این کشور است. دولت‌ها ماهیتی متغیر دارند و بر اساس مقتضیات داخلی، ملاحظات بین‌المللی و موازنه نیروهای سیاسی رفتار می‌کنند، اما ملت عراق، مرجعیت دینی و جریان‌های اصیل مقاومت، مؤلفه‌هایی عمیق‌تر و ریشه‌دارتر در ساختار اجتماعی و سیاسی این کشور هستند. بنابراین، روابط جمهوری اسلامی ایران با عراق نباید صرفا در چارچوب مناسبات با دولت مستقر تعریف شود. حفظ ارتباطات سازنده با همه ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی عراق، ضامن استمرار روابط راهبردی دو کشور در شرایط مختلف خواهد بود.

از سوی دیگر، توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که دولت عراق در محیطی فعالیت می‌کند که با پیچیدگی‌های سیاسی، فشارهای اقتصادی، ملاحظات امنیتی و رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه است. در چنین شرایطی، اتخاذ برخی مواضع محتاطانه یا برقراری تعامل با بازیگران مختلف بین‌المللی، لزوما به معنای تغییر ماهیت راهبردی یا قرارگرفتن در جبهه مقابل ایران نیست. از این رو، در ارزیابی رفتار نخست‌وزیر عراق باید به جای تکیه بر برداشت‌های احساسی و برچسب‌زنی‌های سیاسی، مجموعه اقدامات، تصمیمات و جهت‌گیری‌های عملی دولت را مورد بررسی قرار داد.

مسئله محدودیت‌ها و انسدادهای مرزی میان ایران و عراق را نمی‌توان صرفا یک موضوع اداری یا امنیتی تلقی کرد. مرزهای دو کشور علاوه بر کارکردهای امنیتی، بستر ارتباطات اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و مردمی هستند. هرگونه محدودیت در این حوزه باید با در نظر گرفتن پیامدهای چندجانبه آن ارزیابی شود. تصمیمات مرزی اگر بدون توجه به حساسیت‌های اجتماعی و اقتصادی اتخاذ شوند، ممکن است زمینه‌ساز سوءتفاهم سیاسی و کاهش اعتماد متقابل شوند. بنابراین، ضروری است مسائل مرزی از مسیر گفت‌وگوهای کارشناسی، سازوکارهای مشترک امنیتی و دیپلماسی فعال پیگیری شوند و از تبدیل اختلافات اجرایی به تنش‌های سیاسی جلوگیری شود.

عراق از جمله کشورهایی است که ساختار سیاسی و امنیتی آن تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار دارد. تنوع قومی و مذهبی، رقابت جریان‌های سیاسی، حضور بازیگران خارجی و چالش‌های اقتصادی، شرایطی ایجاد کرده که هرگونه تنش سیاسی می‌تواند به سرعت ابعاد امنیتی و اجتماعی پیدا کند. نکته مهم آن است که بحران در عراق الزاما در محدوده جغرافیایی این کشور باقی نمی‌ماند. احیای جریان‌های افراطی، تضعیف نهادهای امنیتی و افزایش شکاف‌های سیاسی می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای عراق داشته باشد. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به تحولات عراق رویکردی پیشگیرانه داشته باشد؛ چراکه هزینه مدیریت بحران پس از شکل‌گیری آن، به مراتب بیشتر از هزینه جلوگیری از وقوع بحران است.

تهدیدی که نباید دست‌کم گرفته شود

یکی از مهم‌ترین ملاحظات امنیتی در تحولات عراق، احتمال بهره‌برداری جریان‌های تروریستی و تکفیری از شکاف‌های سیاسی و امنیتی است. تجربه ظهور داعش نشان داد که چگونه خلأ قدرت، تضعیف انسجام سیاسی و ناامنی می‌تواند زمینه بازگشت جریان‌های افراطی را فراهم کند. البته ارزیابی تهدید داعش باید مبتنی بر اطلاعات معتبر، ظرفیت واقعی این گروه و تحولات میدانی باشد و نباید هراختلاف سیاسی در عراق را مقدمه بازگشت تروریسم تلقی کرد. در این میان، حفظ انسجام ملی عراق، تقویت نهادهای قانونی و استمرار همکاری‌های امنیتی دوجانبه، از مهم‌ترین الزامات مقابله با تهدیدات تروریستی است. در روابط میان کشورها، اختلاف نظر امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است؛ آنچه اهمیت دارد، چگونگی مدیریت این اختلافات است. جمهوری اسلامی ایران باید در قبال تحولات عراق، میان موضوعات راهبردی و مسائل تاکتیکی تمایز قائل شود. ممکن است در یک مقطع زمانی، دو کشور در برخی موضوعات منطقه‌ای یا بین‌المللی دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، اما این اختلافات نباید به سرمایه راهبردی روابط دو ملت آسیب وارد کند. در این چارچوب، دیپلماسی فعال، گفت‌وگوی مستمر، درک ملاحظات طرف مقابل و پرهیز از مواضع شتاب‌زده می‌تواند زمینه‌ساز عبور از اختلافات و تقویت همکاری‌های مشترک باشد.

رئیس سازمان انرژی اتمی:

امکان بازرسی از تاسیسات تحت تهدید و تهاجم وجود ندارد



محمد اسلامی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، یک‌شنبه هشتم آذر، در حاشیه بازدید از نمایشگاه دستاوردهای صنعت هسته‌ای در مرکز بسیج سازمان صدا و سیما، با رد ادعاها و فضاسازی‌های رسانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران گفت: القا می‌کنند که ایران پنهان‌کاری می‌کند و تاسیسات خود را در زیرزمین ایجاد کرده است، در حالی که این اقدام نه به خاطر پنهان‌کاری، بلکه به دلیل آسیب‌پذیری و تهاجماتی بوده که در حدود ۳۰ سال گذشته به اشکال مختلف از سوی جریان آمریکایی-صهیونیستی بر سر صنعت هسته‌ای کشور آورده‌اند.

وی با تاکید بر شفافیت کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران افزود: تمامی تاسیسات ما در هرکجا که قرار داشته، تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. رئیس سازمان انرژی اتمی با انتقاد از رویکرد دوگانه آژانس تصریح کرد: مادامی که آژانس حاضر نیست حملات نظامی را محکوم کند، نمی‌تواند مطالبه‌گر باشد که برای «تداوم دانش»، از تاسیسات تحت تهدید و تحت تهاجم بازرسی به عمل آورد.

سرنوشت یک نفر نامعلوم است

اصابت پهپاد آمریکایی به قایق صیادی در سیریک



روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران از اصابت یک فروند پهپاد آمریکایی به قایق صیادی در محدوده شهرستان سیریک خبرداد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، پهپاد دشمن متجاوز به یک فروند قایق صیادی در محدوده شهرستان سیریک با سه سرنشین، اصابت کرد و عملیات جست‌وجو برای یافتن مالک این قایق ادامه دارد. روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: ساعت ۳:۳۰ بامداد روز یک‌شنبه، یک فروند پهپاد دشمن متجاوز آمریکایی به یک قایق صیادی متعلق به فردی به نام «محمود آلفته» با سه سرنشین، اصابت کرد.

بر اساس این گزارش، تاکنون دو نفر از سرنشینان قایق پیدا شده و به بیمارستان سیریک انتقال یافته‌اند، ولی سرنوشت مالک این قایق، نامعلوم است و عملیات جست‌وجو برای یافتن وی ادامه دارد.

معمای تشکیل دولت در اراضی اشغالی

گرگ‌ها به جان هم افتادند



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر کابینه رژیم صهیونیستی که دوره آن رو به پایان است، روز شنبه اعلام کرد که با کنار گذاشتن اصل مورد تاکید حزب لیکود موافقت کرده و پذیرفته است گادی آیزنکوت، رئیس حزب یشار، ابتدا ریاست کابینه جدید را بر عهده بگیرد و خود نیز در آغاز دوره، منصب نخست‌وزیر جایگزین را عهده‌دار شود.

نتانیاهو در بیانیه‌ای اعلام کرد، حزب لیکود به ریاست من، با اختلافی چشمگیر و با ۲۵۰ هزار رأی بیشتر از حزب آیزنکوت، بزرگ‌ترین حزب در اسرائیل است. بر همین اساس، من باید ریاست کابینه وحدت را بر عهده می‌گرفتم یا دست‌کم در توافق چرخشی، اولین نخست‌وزیر می‌شدم. اما با توجه به شدت خطر موجودیتی و احتمال تشکیل کابینه‌ای که توانایی مقابله با این خطر را نداشته باشد، مسئولیت من ایجاب می‌کند همه چیز را کنار بگذارم؛ از جمله اصل نخست‌وزیری رئیس بزرگ‌ترین حزب را بپذیرم که گادی آیزنکوت ابتدا سمت نخست‌وزیری را بر عهده بگیرد و من نیز در آغاز دوره، نخست‌وزیر جایگزین شوم. با این وجود، شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی و سایت وای نت گزارش دادند بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر این رژیم به گادی آیزنکوت، رئیس حزب یشار و مامور تشکیل کابینه پیشنهاد داده است پیش از آغاز دوره چرخشی نخست‌وزیری به مدت چهار ماه در سمت خود باقی بماند تا وضعیت در قبال ایران روشن شود. بر اساس این گزارش، نتانیاهو اصرار دارد که در این چهار ماه مدیریت هرگونه تحول امنیتی احتمالی در قبال ایران بر عهده وی باشد و با آغاز دوره چرخشی پیش از پایان این مدت موافقت نخواهد کرد. منابع صهیونیستی گزارش دادند که آیزنکوت به شدت با این شرط مخالف است. نتانیاهو پیشتر اعلام کرده بود آمادگی دارد در چارچوب توافق چرخشی دومین نخست‌وزیر کابینه جدید رژیم صهیونیستی باشد. آیزنکوت نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد حاضر است به حزب لیکود ۲۴ ساعت فرصت بدهد تا جدیت خود را برای تشکیل کابینه وحدت واقعی نشان دهد. وی خواهان آغاز سریع مذاکرات مستقیم به دور از وقت‌کشی شد. حزب لیکود اعلام کرد نتانیاهو و آیزنکوت روز یک‌شنبه با یکدیگر دیدار کردند.

نتانیاهو را باید سرنگون کرد؛ نه نجات داد

به دنبال اعلام آمادگی نتانیاهو برای تشکیل کابینه وحدت و پیشنهاد واگذاری نخستین دوره نخست‌وزیری به آیزنکوت، سران احزاب مخالف و برخی چهره‌های سیاسی رژیم صهیونیستی به این پیشنهاد نتانیاهو واکنش نشان دادند. یائیر گولان، رهبر حزب دموکرات‌ها در پارلمان رژیم صهیونیستی گفت: دیگر کافی است؛ نتانیاهو باید به حیله‌گری و روش‌های فریبکارانه خود پایان دهد. وظیفه ما احترام به اراده رأی‌دهندگان و تشکیل کابینه تغییر و نجات است. یائیر لاپید، نخست‌وزیر اسبق رژیم نیز پیشنهاد نتانیاهو را فریبکاری آشکار از سوی فردی باتجربه در فریب دادن همه شرکایش و نقض تمامی توافق‌ها دانست.

ایهود باراک، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، پس از اعلام آمادگی بنیامین نتانیاهو برای حضور در جایگاه نخست‌وزیر جایگزین در کابینه چرخشی احتمالی به ریاست گادی آیزنکوت، رئیس حزب یشار، تاکید کرد که نتانیاهو را باید سرنگون کرد، نه اینکه برای نجات سیاسی او تلاش شود. باراک با اشاره به پیشنهادی مشابه از سوی نتانیاهو در ۲۸ سال پیش، یادآور شد که آن زمان از تریبون کنست اعلام کرده بود: باید نتانیاهو را سرنگون کرد، نه نجات داد. یوسف جبارین، رئیس فهرست مشترک عرب، نیز تاکید کرد که نتانیاهو بار دیگر در حال تکرار دروغ‌هاست تا مانع تغییر کابینه شود.

دولت چرخشی در اراضی اشغالی

مهلت اولیه‌ای که برای تشکیل کابینه به آیزنکوت داده شده، ششم دسامبر آینده به پایان می‌رسد؛ با این حال، او همچنان می‌تواند از اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی، درخواست کند این مهلت را به مدت ۱۴ روز تمدید کند که قابل تکرار نخواهد بود. به نظر می‌رسد روزهای آینده در تعیین موضع آیزنکوت سرنوشت‌ساز باشد و مشخص کند که آیا او به سمت تشکیل کابینه‌ای با محوریت احزاب ائتلاف تغییر حرکت خواهد کرد یا تشکیل یک کابینه وحدت گسترده را در دستور کار قرار می‌دهد. مذاکرات میان حزب یشار و حزب لیکود عمدتا بر سر این موضوع متمرکز بود که چه کسی در توافق چرخشی، ابتدا ریاست کابینه را بر عهده بگیرد. همچنین اصرار نتانیاهو بر پیوستن حزب راست افراطی قدرت یهود به ریاست ایتمار بن گویر به کابینه، یکی دیگر از محورهای اختلاف بود.

روزنامه عبری هاآرتص شامگاه شنبه گزارش داد که آیزنکوت قصد داشت روز پنج‌شنبه با نفتالی بنت، رئیس حزب معا، به توافق ائتلافی دست یابد و در پایان هفته به اسحاق هرتزوگ، اطلاع دهد که موفق به تشکیل کابینه شده است. اما بنت پس از اطلاع از این موضوع، تصمیم گرفت دیدار خود با آیزنکوت را به روز یک‌شنبه موکول کند و همزمان به نتانیاهو اولتیماتوم داد تا امکان قرارگرفتن خود در جایگاه دوم نخست‌وزیری در توافق چرخشی را بررسی کند.

چشم‌انداز توافق همچنان مبهم است

روزنامه معاریو در ارزیابی اولیه از مذاکرات بنیامین نتانیاهو و گادی آیزنکوت، رئیس حزب یاشار برای تشکیل دولت وحدت اعلام کرد که این گفت‌وگوها تاکنون به پیشرفت ملموسی منجر نشده است. طبق گزارش معاریو، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر موقت رژیم صهیونیستی و گادی آیزنکوت، رئیس حزب یاشار در دیداری در پایگاه کریا در تل‌آویو، درباره امکان دستیابی به توافق برای تشکیل دولت وحدت در حال رایزنی هستند؛ با این حال، ارزیابی‌های اولیه حاکی از آن است که این گفت‌وگوها تاکنون پیشرفت ملموسی به همراه نداشته است. معاریو نوشت: این دیدار با هدف بررسی امکان دستیابی به توافق میان دو طرف برگزار شد، اما در حال حاضر نشانه‌ای از تغییر چشمگیر در روند مذاکرات یا تغییر برنامه آیزنکوت برای تشکیل کابینه در روزهای آینده مشاهده نمی‌شود. شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز گزارش داد ران درمر، وزیر پیشین امور راهبردی و از نزدیکان نتانیاهو در این نشست حضور دارد. درمر پیشتر رابط نتانیاهو با نفتالی بنت در مذاکرات سیاسی بود. گفته می‌شود درمر نقش مهمی در سیاست منطقه‌ای نتانیاهو ایفا می‌کند. در همین راستا، روزنامه اسرائیل هیوم نیز گزارش داد این دیدار با ارائه گزارشی امنیتی آغاز شده است. همزمان با این نشست، تیم‌های مذاکره‌کننده حزب بیخد به رهبری نفتالی بنت و حزب یاشار به ریاست آیزنکوت نیز مذاکرات جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند. اختلاف‌نظر میان بنت و آیزنکوت درباره امکان تشکیل دولت وحدت با مشارکت حزب لیکود و شرایط آن همچنان ادامه دارد.

عمیخای شیکلی، از چهره‌های نزدیک به جناح راست، با انتقاد از آیزنکوت، احتمال تشکیل دولت وحدت را اندک دانست و از مواضع سیاسی وی انتقاد کرد. از سوی دیگر، مذاکرات آیزنکوت برای تشکیل دولت با مشارکت برخی احزاب مخالف نتانیاهو و احزاب حریدی ادامه دارد. موضوع خدمت سربازی دانشجویان مدارس دینی موسوم به یشیوا، بودجه آموزش حریدی و نحوه برخورد با بازداشت‌شدگان مرتبط با این موضوع از محورهای اصلی مذاکرات است. مهم‌ترین اختلاف در این زمینه، درخواست احزاب حریدی برای معافیت گسترده و بدون سهمیه دانشجویان از خدمت سربازی در برابر تاکید آیزنکوت بر لزوم خدمت همگانی است.

بر اساس این گزارش، آیزنکوت همچنان برای توافق‌های ائتلافی و ارائه کابینه پیشنهادی خود به کنست برای کسب رأی اعتماد در روزهای آینده تلاش می‌کند؛ با این حال، باید دید آیا دیدار اخیر نتانیاهو و آیزنکوت می‌تواند به گشایشی در مذاکرات و تغییر معادلات تشکیل کابینه منجر شود یا او باید مسیر دیگری را برای ائتلاف درپیش گیرد.

معامله بر سر محاکمه جلاد

وکلای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر فعلی رژیم صهیونیستی، اعلام کردند پیشنهاد اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی برای برگزاری نشستی در دفتروی را پذیرفته‌اند که هدف از این نشست، پایان دادن به پرونده محاکمه نتانیاهو به اتهام فساد در نزدیک‌ترین زمان ممکن است. بر اساس گزارش شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی، گالی بهاراوی میارا، دادستان کل و آمیت آیسمن، دادستان عمومی این رژیم، پس از بررسی ملاحظات قضات، آمادگی خود را برای گفت‌وگو با تیم دفاعی نتانیاهو اعلام کرده‌اند. این شبکه همچنین گزارش داد دادستانی درخواست کرده است که جلسات دادگاه به مدت یک هفته به حالت تعلیق درآید تا پرونده‌ها مورد بررسی قرار بگیرند. در بیانیه‌ای که روز گذشته از سوی دفتر رئیس رژیم صهیونیستی منتشر شد، آمده است: با توجه به آنچه در بیانیه دادگاه درباره پرونده‌های مربوط به بنیامین نتانیاهو مطرح شده است، اسحاق هرتزوگ بار دیگر از طرف‌های ذی‌ربط دعوت می‌کند تا با نظارت دفتر ریاستی، گفت‌وگوهایی را با هدف دستیابی به توافق و پایان دادن به محاکمه نتانیاهو برگزار کنند. در ادامه بیانیه هرتزوگ آمده است: هرتزوگ پیشنهاد می‌کند گفت‌وگوهایی عمیق با هدف دستیابی به توافق انجام شود. در صورتی که طرف‌ها تمایل به پذیرش این پیشنهاد داشته باشند، در دفتر همچنان به روی آنها باز است.



محمدمهدی ماندگاری، کارشناس مذهبی:

تربیت زهرایی فرزندان با اطاعت خدا و خدمت به مردم محقق می‌شود

یادداشت کارگردان مستند «اصل ۳۰»

وقتی آموزش از سبد زندگی مردم حذف می‌شود



مستند «اصل ۳۰» محصول خانه مستند به کارگردانی علی نیکبخت و تهیه‌کنندگی فاطمه احمدی، روز سه‌شنبه ۱۰ آذر همراه با نشست نقد و بررسی با حضور استاد رحیمی‌پور در سالن فرهنگ دانشگاه یزد اکران می‌شود؛ اثری که به چالش کالایی شدن آموزش و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی می‌پردازد. در ادامه یادداشت علی نیکبخت را می‌خوانید:

سه سال پیش، زمانی که تصمیم گرفتم ساخت مجموعه مستند «اصل ۳۰» را آغاز کنم، بیش از آنکه دغدغه ساخت یک مستند درباره آموزش و پرورش داشته باشم، نگران چیزی بزرگ‌تر بودم: کیفیت ایران و آینده جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم. برایم این پرسش جدی بود که چگونه ممکن است جامعه‌ای از توسعه، پیشرفت و آینده سخن بگوید، اما یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای ساختن آینده، یعنی آموزش، به‌تدریج از دسترس بخش بزرگی از مردم خارج شود؟ چگونه می‌توان پذیرفت که سرنوشت کودکان یک سرزمین، پیش از آنکه استعداد و توانایی‌شان فرصت ظهور پیدا کند، با وضعیت اقتصادی خانواده‌های‌شان تعیین شود؟

سرانجام این مجموعه پس از سه سال پژوهش، تولید و پیگیری، به ایستگاه پخش رسید. سه سال برای پرداختن به مسئله‌ای که به باور من یکی از بنیادی‌ترین مسائل امروز جامعه ایران است؛ کیفیت آموزش و نسبت آن با عدالت اجتماعی. مهم‌ترین عاملی که توجه مرا به این موضوع جلب کرد، مسئله کاهش کیفیت ایران بود. کیفیت یک جامعه فقط با شاخص‌های اقتصادی و زیرساختی سنجیده نمی‌شود؛ کیفیت انسان‌ها، روابط اجتماعی و امکان زیستن شرافتمندانه نیز بخشی از آن است. جامعه رشدیافته، جامعه‌ای است که بتواند با صبر و شکیبایی، از دل رنج، معنا و امکان رشد خلق کند. آموزش یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق این ظرفیت است. اصل ۳۰ قانون اساسی نیز با تاکید بر آموزش رایگان، حامل همین نگاه به آموزش به عنوان یک حق عمومی است. پرسش من این بود: چه اتفاقی افتاده که این حق، به‌تدریج به امتیازی وابسته به توان اقتصادی خانواده‌ها تبدیل شده است؟ مسئله فقط این نیست که خانواده‌ای چند درصد از درآمد ماهانه یا سالانه خود را صرف آموزش می‌کند. مسئله عمیق‌تر است: آموزش باکیفیت عملا از سبد زندگی اکثریت مردم حذف شده است. امروز فرقی نمی‌کند در اقلیت ثروتمند باشی و امکان تحصیل باکیفیت داشته باشی یا در اکثریت کم‌درآمد قرار بگیری و از آن محروم بمانی؛ این عدم تعادل، امکان تحقق کیفیت زندگی را برای کل جامعه مختل می‌کند. جامعه‌ای که فرصت رشد را نابرابر توزیع می‌کند، در واقع آینده مشترک خود را تخریب می‌کند. من این وضعیت را یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای امنیت ملی می‌دانم.

مجموعه «اصل ۳۰» در ۶ قسمت، از افت کیفیت آموزش و وضعیت معلمان تا تاریخ آموزش همگانی، خصوصی‌سازی، تعارض منافع، عدالت جنسیتی و اسناد و برنامه‌های تحول آموزش و پرورش را بررسی می‌کند. تلاش کرده‌ایم مسئله را صرفا در سطح کمبود امکانات یا ضعف مدیریت متوقف نکنیم و به ریشه‌های اجتماعی، تاریخی و سیاستی آن برسیم. مهم‌تر از همه جریان‌سازی مصرفی انجام نداده‌ایم. واقعیت تلخ این است که با چند بخشنامه، سند تحول، شعار عدالت آموزشی و افتتاح مدرسه نمی‌توان این بحران را حل کرد. مسئله، یک خطای اجرایی ساده نیست؛ با یک مسیر سیاست‌گذاری مواجهیم که آموزش را از حق عمومی به کالای قابل خرید تبدیل کرده است. اگر قرار باشد آینده فرزندان مردم نه براساس استعداد و توانایی، بلکه براساس حساب بانکی والدین‌شان تعیین شود، دیگر از عدالت اجتماعی نمی‌توان سخن گفت. خطرناک‌تر آن است که به این وضعیت عادت کنیم و نابرابری را طبیعی بدانیم.

بازگشت به عدالت آموزشی، پیش از هر چیز، به تغییر این نگاه و پذیرش مسئولیت سیاسی و اجتماعی آن نیاز دارد. اگر آموزش باکیفیت حق همگانی نباشد، هیچ‌کس در این جامعه برنده نیست؛ حتی کسانی که امروز توان خرید بهترین آموزش را دارند. آنها نیز در جامعه‌ای زندگی خواهند کرد که بخش بزرگی از ظرفیت انسانی‌اش فرصت شکوفایی پیدا نکرده است. اصل ۳۰ فقط یک اصل قانون اساسی نیست؛ آزمونی برای سنجش میزان تعهد ما به آینده ایران است.

رد پای یک سرزمین در کتابخانه‌ها و خیابان‌های جهان

روایت فلسطین در جهان



فلسطین امروز بیش از هر چیز در کانون توجه رسانه‌های جهان قرار دارد؛ توجهی که از دل خبرهای جنگ و فجایع انسانی برخاسته و با روایت‌های روزانه از رنج مردم این سرزمین پررنگ‌تر شده است. اما حضور فلسطین در جهان به خبرها محدود نمی‌شود؛ ادبیاتش نیز از راه ترجمه و انتشار در کشورهای گوناگون خوانده می‌شود و نشانه‌هایی چون چفیه و پرچمش در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و تجمع‌های همبستگی دیده می‌شوند. آثار محمود درویش، غسان کنفانی و دیگر نویسندگان فلسطینی به زبان‌هایی چون انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی برگردانده شده‌اند و خوانندگانی فراتر از مرزهای فلسطین یافته‌اند. همزمان، چفیه و پرچم فلسطین در بسیاری از نقاط جهان به نشانه‌هایی آشنا بدل شده‌اند؛ نشانه‌هایی که در کنار پوشش رسانه‌ای و توجه به رنج انسانی، از حضور فرهنگی و هویتی فلسطین نیز خبر می‌دهند. این یادداشت می‌پرسد: ادبیات فلسطین چگونه به کشورهای دیگر راه یافته و نمادهایش چه جایگاهی در جهان پیدا کرده‌اند؟

در قفسه‌های کتابفروشی‌های اروپا، هنگام عبور از ردیف ادبیات معاصر، نام‌هایی به چشم می‌خورند که از ریشه عربی برخاسته‌اند، اما با الفبای لاتین یا حتی پرتغالی برزیلی نوشته شده‌اند. این تنها یک ترجمه ساده نیست؛ این اوج یک تلاش چندساله برای آوردن صدا از جغرافیای جنگ به صفحات کتاب‌های شهرهای صلح‌زده است. برای نویسنده فلسطینی، نخستین تناقض از همین نقطه شروع می‌شود؛ او روایتش را به زبان مادری می‌نویسد، اما چه بسیار رخدادها که در آن میان، خود زبان، نخستین قربانی است. جای تعجب نیست که بسیاری از این آثار چند بار ترجمه شده‌اند؛ یک بار برای خواننده انگلیسی، یک بار با فیلتر ناشر اسپانیایی و بار دیگر برای مخاطب فرانسوی. هر ترجمه، فیلتری از فرهنگ، ایدئولوژی و سیاست روز را بر متن اعمال می‌کند و در همین نقطه است که هنر مترجم به انسانیت تبدیل می‌شود.

راهی که درویش در جهانی دیگر پیمود

شاید هیچ نامی چون محمود درویش این توانایی را نداشته باشد که ادبیات فلسطین را از مرز یک حرکت محلی به جریان جهانی تبدیل کند. آثار او به دست‌کم ۵۰ زبان بزرگ دنیا ترجمه شده است؛ از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی، عبری، هندی، لهستانی، نروژی و حتی ژاپنی. این واقعیت که شعری که درباره حسرت بازگشت به یک روستای کوچک شاعرانه سروده شده است، در یک سالن دانشگاه در نیویورک یا در یک نمایشنامه‌خوانی در برلین خوانده می‌شود، نشان می‌دهد که چگونه درد فلسطینی صرفا درباره یک جغرافیای خاص نیست؛ بازتابی از دردی مشترک انسانی است که تبعید را در هر جای دنیا تجربه می‌کند. مترجمان متعدد، هربار با عنوان‌ها و واژه‌های متفاوت، این اشعار را آزاد کرده‌اند. شعر درویش صرفا روایتی از سرزمین از دست رفته نیست، بلکه خود به پایگاهی برای زنده نگه داشتن هویت فلسطین در نگاه مخاطبان جهان تبدیل شده است.

از غسان کنفانی تا نسل جدید روایت

نقش غسان کنفانی در این مسیر کمتر از درویش نیست، گرچه در میان مخاطبان عام کمتر نام برده شده است. داستان‌های او در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به واسطه ناشران لبنانی و اروپایی به فرانسه و آن‌گاه به ایتالیا و آلمان راه یافت. این در حالی است که ادوارد سعید، متفکری که نقد ادبی را از بستر دانشگاه‌های آمریکا وارد حوزه عمومی کرد، با کتاب‌های خود اروپاییان را با مفهوم شرق‌شناسی و سهم عرب‌ها در اندیشه مدرن آشنا ساخت. امروز نسل جدیدی از نویسندگان فلسطینی مانند عدنیه شبلی، صبا حمود، لیان الحبس و گروه‌هایی از شاعران جوان که به زبان انگلیسی یا فرانسوی قلم می‌زنند، این میراث را ادامه می‌دهند. جالب آنکه برخی از این نویسندگان، دیگر برای ترجمه



منتظر ناشر خارجی نمی‌مانند؛ آنها مستقیما به زبان مقصد می‌نویسند و مخاطب خود را همان دیگری قرار می‌دهند که مقصد اصلی گزارش است. این مسیر، اگرچه هزینه‌های هویتی دارد، اما در نهایت ادبیات به بال‌هایی می‌ماند که از هر دو اقیانوس عبور می‌کند.

چفیه؛ از پوشش روزمره تا بیانیه جهانی

نزدیک‌تر از قفسه کتاب‌ها، در خیابان‌های پایتخت‌های اروپا و آمریکای جنوبی، نمادی دیده می‌شود که بر گردن‌ها بسته شده است: چفیه. برای بسیاری از تازه‌واردان به این نماد، چفیه صرفا یک پارچه سیاه‌وسفید است، اما برای فلسطینیان، این پارچه روایت روزهایی است که مردان کشاورز و شهری همان را بر شانه می‌انداختند تا از آفتاب و خاک محافظت کنند. با آغاز مقاومت، همین پوشش روزمره به لباس مبارز و نشانه همبستگی بدل شد. امروزه چفیه در عکاسی مد، نمایشگاه‌های هنری و حتی جشن‌های دانشجویی جهان دیده می‌شود و از این طریق، ظرفیت جدیدی پیدا کرده است: رساندن هویت یک ملت به کسانی که هرگز عربی نشنیده‌اند. در واقع چفیه نه یک لهجه، بلکه یک زبان مشترک بصری است که در آن، سکوت هم فریاد می‌زند. علاوه بر این، اکنون چفیه در تمامی کشورها نماد مقاومت است.

از رنگ‌های شناخته‌شده به سنگر جهان‌شمول

همزمان با چفیه، پرچم فلسطین با چهار رنگ شناخته‌شده خود، از دیوارهای سنگر به صفحه نمایش گوشی‌ها و سکوهای ورزشی راه یافته است. این پرچم در جریان برگزاری رقابت‌های بین‌المللی فوتبال، تظاهرات بزرگ شهرهای اروپایی و حتی به‌عنوان نشانه روی جلد مجلات موسیقی ظاهر شده است. رنگ‌های قرمز، سبز، سیاه و سفید که در گذشته نشانی از جبهه‌ها بود، اکنون به امضایی در دستان میلیون‌ها جوانی بدل شده که از اشغال، آوارگی و سانسور بی‌خبرند، ولی در دفاع از عدالت فریاد می‌زنند. همین گسترش، خود پیام بزرگ‌تری دارد: وقتی نمادی سرزمینی به نماد مرزشکن جهانی تبدیل می‌شود، یعنی حقیقت درد آن قدر عمومی و انسانی است که به هیچ مرزبندی زبانی یا سیاسی قانع نمی‌شود.

ادبیات با ترجمه، خانه پیدا می‌کند

اگر بخواهیم به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که «ادبیات فلسطین جز در فلسطین به کدام زبان و کشورها راه یافته است؟» پاسخ در این دو ستون است: ادبیات از مسیر ترجمه و نشر بین‌المللی و نماد از مسیر استفاده عمومی و رسانه‌ای. ترجمه، خانه‌ای مجازی برای واژه‌ها می‌سازد و نماد، سنگر عامه برای معنای مشترک. در چنین شرایطی، چه کسی می‌تواند ادعا کند سرنوشت فلسطین موضوعی محدود و منطقه‌ای است، در حالی که قلم‌ها و پارچه‌ها و پرچم‌هایش در هر قاره و هر زبان، قصه‌ای قدیمی را برای نسل‌های تازه زمزمه می‌کنند؟ این سفر تنها پایان یافتنی نیست؛ چون هر اسم تازه‌ای که ترجمه می‌شود و هر رنگ پرچمی که برافراشته می‌شود، آغازیک فصل نو در این روایت بی‌انتهاست.

امیره البلوشی، برنده جایزه جهانی ادبیات فلسطین

ادبیات کودک، پلی برای همدلی جهانی با فلسطین

فلسطین برای کودکان، فراتر از تصاویر جنگ و رنج، سرزمین خانه، خاطره، بازی و هویت است؛ روایتی که ادبیات کودک می‌تواند زنده نگه دارد. امیره البلوشی، برگزیده جایزه جهانی ادبیات فلسطین، از دشواری روایت جنگ برای مخاطب کودک و مسئولیت قصه در حفظ حافظه و ساختن همدلی جهانی می‌گوید.

■ **ظرفیت‌های نمادها و عناصر فرهنگی در انتقال هویت، تعلق و حافظه چیست؟ این مفاهیم چگونه به سادگی به کودک منتقل می‌شوند؟**

نمادها این قدرت را دارند که معنا را به دنیای کودک نزدیک‌تر کنند. برای نمونه، درخت زیتون چیزی فراتر از یک درخت معمولی است؛ این درخت می‌تواند تجسم بخش مفاهیمی مانند ریشه، صبر، خانه و خاطره باشد و کودک را به یاد داستان‌هایی بیندازد که از پدربزرگ یا مادربزرگ خود شنیده است. به همین ترتیب، مفاهیمی مثل هویت، اغلب نه از طریق توضیحات مستقیم، بلکه به‌واسطه یک تصویر کوچک، یک عادت روزمره یا یک قصه خانوادگی، بسیار موثرتر منتقل می‌شوند. ما به عنوان نویسندگان می‌توانیم با پیوند دادن این مفاهیم به تجربیاتی که برای کودک آشناست – مانند درختی محبوب، خانه‌ای که دلتنگش است یا قصه‌ای که از اعضای خانواده شنیده– آنها را ساده‌سازی کنیم. برای انتقال حس تعلق، همیشه نیازی به واژگان پیچیده و سنگین نیست؛ گاهی یک داستان صادقانه کافی است تا کودک، پیش از آنکه حتی نام آن مفهوم را بداند، معنای عمیق آن را درک کند.

■ **تفاوت‌هایی که نویسنده میان کودک و بزرگسال رعایت می‌کند چیست؟ آیا دیدگاه کودک باید مبنای روایت باشد؟**

کودک با ذهنی ضعیف‌تر از بزرگسال کتاب نمی‌خواند، بلکه جهان را از دریچه‌ای متفاوت می‌بیند. او به جزئیاتی توجه می‌کند که ما اغلب از آنها عبور می‌کنیم؛ او صریح پرسش می‌کند و با تصاویر و احساسات پیرامونش پیوند عمیقی برقرار می‌کند. از همین رو، من هنگام نوشتن برای کودکان، تلاش می‌کنم به شیوه نگاه آنها نزدیک شوم؛ یعنی به شخصیت‌ها این فضا را بدهم که بتوانند کشف کنند، بپرسند، اشتباه کنند و از آن بیاموزند.

به باور من، نگاه کودک باید یکی از ارکان مهم در ساختار روایت باشد. نویسندگی برای کودکان به معنای سخن گفتن از موضع بالا یا تشریح همه‌چیز نیست، بلکه هدف اصلی، احترام به کنجکاوی و توانایی درک کودک است. ما باید زبانی روشن و زیبا را انتخاب کنیم که در عین سادگی، حامل معنا و عمق باشد.

■ **درباره کتاب «حدیث زیتون» و انگیزه‌های خود برای نگارش آن برای کودکان و نوجوانان برای‌مان بگویید. چه چیزی باعث شد به مسئله فلسطین از منظر ادبیات کودک بپردازید؟**

ایده کتاب «حدیث زیتون» بر پایه این باور شکل گرفت که برای نزدیکی به دنیای کودکان، باید از زبان «داستان» استفاده کرد، نه صرفا انتقال اطلاعات خام. مسئله فلسطین همواره در قلب و جان ما جای دارد، اما هدف من این بود که این موضوع را به گونه‌ای به کودک ارائه دهم که پنجره‌ای رو به تفکر و همدلی برای او باز شود؛ به طوری که نه تنها به رویدادهای بزرگ، بلکه به مفاهیمی چون انسان، زندگی و حافظه نیز توجه کند.

من ادبیات کودک را انتخاب کردم؛ چرا که داستان توانایی ایجاد تاثیری آرام و عمیق در روح و روان را دارد. نویسندگی برای کودکان، مسئولیتی بسیار زیباست؛ زیرا این فرصت را به ما می‌دهد تا پرسش، احساس یا ارزشی را در درون کودک بکاریم، بدون آنکه بخواهیم پاسخی از پیش تعیین‌شده را به او دیکته کنیم. امیدوارم خوانندگان در این کتاب فضایی را تجربه کنند که در آن، با شخصیت‌ها و داستان‌ها احساس نزدیکی کنند.

■ **چگونه می‌توانیم از خشونت و جنگ در غزه به راستی و درستی سخن بگوییم و در عین حال از سلامت روان کودکان محافظت کنیم؟**

کودکان حق دارند از آنچه می‌گذرد آگاه باشند، اما این آگاهی باید متناسب با سن و توانایی‌شان در درک مفهوم «رنج» باشد. من معتقد نیستم که باید حقیقت را کاملا از آنها پنهان کرد، اما از سوی دیگر، درست نیست که آنها را در معرض تصاویر خشن و جزئیاتی قرار دهیم که فراتر از طاقت‌شان است. نکته کلیدی اینجاست که ما باید با صداقت و آرامش سخن بگوییم، به پرسش‌های‌شان پاسخ دهیم و فضایی امن برای بیان ترس‌ها و اندوه‌شان فراهم کنیم.

در نویسندگی، می‌توانیم از رنج سخن بگوییم، اما بدون آنکه آن را به منظره‌ای شوک‌کننده و آسیب‌زا تبدیل کنیم. در مقابل، باید بر مفاهیمی تمرکز کنیم که حس امنیت را در کودک تقویت می‌کنند؛ مفاهیمی مانند محبت، همبستگی، خانواده، امید و اراده برای زندگی. صداقت به معنای غرق کردن کودک در جزئیات تلخ نیست، بلکه ارائه حقیقت با نگاهی همراه با لطف و مسئولیت‌شناسی است.

■ **زندگی روزمره، شادی، فرهنگ و میراث باید چه جایگاهی در ادبیات کودک فلسطین داشته باشند؟**

من بر این باورم که زندگی روزمره، شادی، طبیعت و رویاها، همگی از عناصر اساسی در داستان‌های فلسطینی هستند. کودک فلسطینی نباید تنها در قالب «نماد جنگ» تعریف شود؛ او کودکی است که عاشق بازی کردن است، جهان را کشف می‌کند، برای آینده‌اش رویاپردازی می‌کند و در میان خانواده، دوستان، فرهنگ و جزئیات روزمره زندگی‌اش حضور دارد. اگر ما تنها از رنج سخن بگوییم، ممکن است یک ملت کامل را در یک تصویر محدود و تلخ خلاصه کنیم. اما وقتی از زندگی در تمامی ابعاد آن – شامل رنج، شادی و زیبایی – می‌نویسیم، تصویری راستین‌تر و کامل‌تر به خواننده ارائه می‌دهیم. با این کار، حق کودک فلسطینی را حفظ می‌کنیم تا او را نه صرفا قربانی، بلکه به عنوان انسانی با تمام تمایلات، تخیلات و زندگی‌اش مشاهده کنیم.

■ **ادبیات کودک چه کمکی می‌تواند به انتقال مسئله فلسطین به‌کودکان دیگر کشورها بکند؟**

اخبار معمولا در قالب تیترها، آمار و تصاویر گذرا به ما می‌رسند، اما «قصه» به کودک فرصت می‌دهد تا با کودکی در جای دیگری از جهان، از نزدیک آشنا شود؛ بداند او چه چیزی را دوست دارد، از چه چیزی می‌ترسد و آرزویش چیست. زمانی که خواننده با شخصیتی روبه‌رو می‌شود که در سطح احساسات با او هم‌ذات‌پنداری می‌کند – هرچند شرایط زندگی‌شان متفاوت باشد– درک آن کودک و همدلی با او، بسیار عمیق‌تر و صادقانه‌تر خواهد بود.

علاوه بر این، قصه به کودکان اجازه می‌دهد تا از طریق جزئیات زندگی روزمره و به‌دور از پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌ها، با فرهنگ‌های دیگر آشنا شوند. این تجربه می‌تواند آغازگر گفت‌وگویی باشد که در آن کودکان دریابند میان آنها آرزوها و احساسات مشترکی وجود دارد؛ چرا که شناخت واقعی دیگری، نخستین گام در مسیر احترام به اوست.

■ **برای گسترش جهانی ادبیات کودک مرتبط با فلسطین چه اقداماتی لازم است؟ و نقش جایزه جهانی ادبیات فلسطین چیست؟**

گسترش جهانی مستلزم ترجمه‌ای ادبی و خوب است که روح متن و زیبایی زبان آن را حفظ کند و نیز نیازمند تصویرگرانی است که به اثر احترام بگذارند و آن را به کودک نزدیک‌تر سازند. همچنین به همکاری میان نویسندگان، تصویرگران، ناشران، جشنواره‌ها و کتابخانه‌ها و حضور مستمر در رویدادهایی نیاز دارد که امکان دستیابی آثار به مخاطبانی با زبان‌های گوناگون را فراهم می‌سازد. جایزه جهانی ادبیات فلسطین می‌تواند با معرفی آثار برنده و مؤلفان آنها، ایجاد پل‌های ارتباطی با ناشران و مترجمان و برجسته‌سازی ادبیات کودک در برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، در این مسیر سهم داشته باشد. این جایزه صرفا از نویسنده تجلیل نمی‌کند، بلکه فرصتی را پیش روی آثار او می‌گشاید تا به خوانندگان جدیدی دست یابند.

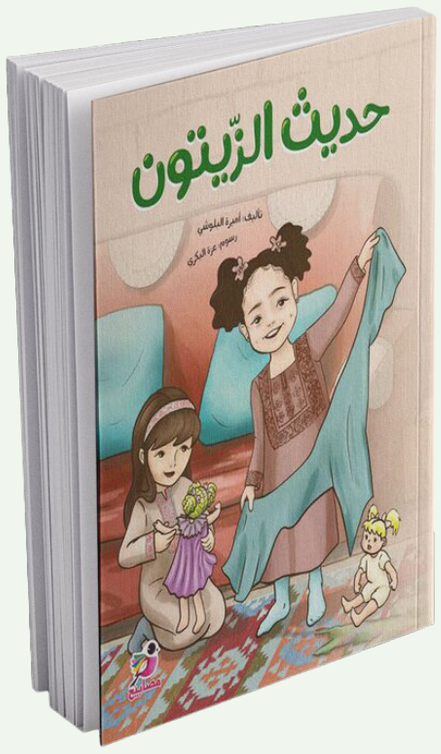

■ **پیام شما به نویسندگان ادبیات کودک چیست؟ این ادبیات چگونه در ساخت نسلی آگاه‌تر و مسئولیت‌پذیرتر نقش‌آفرینی می‌کند؟**

پیام من به نویسندگان ادبیات کودک در سراسر جهان این است: با احترام برای کودک بنویسید و با او از انسان، با تمام تفاوت‌ها، امیدها، ضعف‌ها و قوت‌هایش سخن بگویید. توانایی او در درک کردن را دست کم نگیرید و قصه را به درسی مستقیم تبدیل نکنید؛ به آن صداقت، شخصیت‌های زنده و فضایی ببخشید که به او اجازه حس کردن و اندیشیدن بدهد. من بر این باورم که ادبیات کودک در ساخت نسلی آگاه‌تر نقش دارد؛ نه به این دلیل که پاسخ‌های آماده ارائه می‌دهد، بلکه به این خاطر که قلب و عقل کودک را وسعت می‌بخشد و به او می‌آموزد که دیگران را ببیند و جویای حال‌شان باشد و هنگامی که کودک درمی‌یابد پشت هر قصه انسانی با زندگی و احساسات نهفته است، حساسیت بیشتری نسبت به سرنوشت مردم پیدا می‌کند و آمادگی افزون‌تری برای همدلی و پذیرش مسئولیت از خود نشان می‌دهد.



داود نامور، تهیه‌کننده تئاتر و مدیر تماشاخانه نوفل‌لوشاتو:

چیزی به نام تئاتر مستقل وجود ندارد

بازخوانی فرهنگی خطبه فدک به مناسبت فرخنده زادروز حضرت فاطمه زهرا(س)

بانویی که با کلمات در تاریخ ایستاد

نام حضرت فاطمه زهرا (س) با روزن گره خورده است؛ نامی که ترازوی سنجش کرامت، آگاهی و وقار در فرهنگ ماست. در زندگی کوتاه او، مهر خانه و شجاعت میدان کنار هم نفس می‌کشند و همین است که بزرگی شخصیتش را از هر تعریف تک‌بعدی فراتر می‌برد. در روزن، برگشتن به ماجرای فدک و خطبه درخشان فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در مسجد مدینه، ما را با یکی از زنده‌ترین جلوه‌های این بزرگی روبه‌رو می‌کند؛ زنی که با تسلط برزبان، سواد حقوقی و آرامشی نافذ در قلب فضای عمومی ایستاد و نشان داد کلمات مستدل از هر قدرتی ماندگارترند.

ماجرای فدک و خطبه‌ای که در پی آن در مسجد مدینه خوانده شد، در حافظه عمومی ما معمولا فقط در چارچوب تاریخ صدر اسلام یا مباحث کلامی دیده شده است؛ در حالی که اگر دوربین را کمی بچرخانیم و به زبان، کنشگری و فرهنگ گفت‌وگو در این ماجرا نگاه کنیم، با روایتی طرفیم که دقیقا به کار امروز ما می‌آید.

شکستن دوگانه «نجابت» و «مطالبه‌گری»

یکی از ریشه‌دارترین کلیشه‌های فرهنگی در جامعه ما این است که میان «معنویت» و «پیگیری حق قانونی» دیواری نامرئی کشیده‌ایم. در این نگاه، آدم باوقار و بی‌توقع کسی است که اگر حقش ضایع شد، سکوت کند، لبخند بزند و بگذرد و در مقابل، اگر زنی برای مالکیت، حق مدنی‌اش پا پیش بگذارد، خیلی زود برچسب دنیادوستی، لجاجت یا پرخاشگری می‌خورد. این دوگانه سال‌هاست به شکل ناخودآگاه، بسیاری از زنان را در موقعیت شرمندگی از خواستن حق خودشان قرار داده است.

ماجرای فدک درست همین دوگانه را از بیخ و بن می‌شکند. همه روایت‌های تاریخی بر ساده‌زیستی و بی‌تعلقی حضرت زهرا (س) به مال دنیا اتفاق نظر دارند؛ یعنی مسئله هرگز طمع به یک تکه زمین یا ثروت‌اندوزی نبود. با این حال، وقتی مالکیت فدک از ایشان گرفته شد، به نام زهد و معنویت سکوت نکردند. ایشان نشان دادند که بی‌تعلقی به دنیا به معنای تن دادن به بی‌عدالتی نیست. دفاع از حق مالکیت و ایستادن پای قانون، نه تنها با وقار و معنویت تضادی ندارد، بلکه بخشی از همان کرامت انسانی است که اگر از آن کوتاه بیایی، به تدریج مرز میان حق و ناحق در فرهنگ عمومی محو می‌شود.

تسلط برزبان در میدان عمومی

خطبه فدک فقط یک اعتراض نیست؛ یک اتفاق بزرگ در تاریخ سخنوری است. فضای مدینه در آن روزگار، جامعه‌ای بود که میدان گفت‌وگوی عمومی، قضاوت و سیاست تقریبا به طور کامل در اختیار مردان قرار داشت و مسجد، مرکز اصلی این فضای عمومی به شمار می‌رفت؛ جایی هم ارز پارلمان، دادگاه و رسانه امروز. در چنین بستری، زنی وارد اصلی‌ترین تریبون شهر می‌شود و نه با گلایه عاطفی، نه با التماس و نه با آشفتگی، بلکه با ساختارمندترین و بلیغ‌ترین زبان زمانه خود سخن می‌گوید. اگر متن خطبه فدکیه را مثل یک اثر ادبی و حقوقی مرور کنیم، می‌بینیم که ایشان با چه مهارتی استدلال می‌چینند. آن حضرت به رویه‌های حقوقی و مصادیق قرآنی استناد می‌کنند و مخاطبان‌شان را با همان متنی به چالش می‌کشند که همه بر اعتبار آن توافق دارند؛ آنجا که خطاب به حاضران در مسجد می‌فرمایند: «آیا به عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر انداخته‌اید؟ در حالی که می‌فرماید: «و سلیمان از داوود ارث برد» و در بیان سرگذشت زکریا می‌فرماید: «پروردگارا، از نزد خود فرزندی به من ببخش که از من و آل یعقوب ارث ببرد»... آیا خداوند آیه‌ای ویژه درباره ارث نازل کرده که پدرم را از آن استثنا نموده است؟»

این تصویر، پاسخی مستقیم به کلیشه قدیمی «زن احساساتی» است؛ کلیشه‌ای که هنوز هم در بسیاری از فضاهای کاری و اجتماعی، صدای زنان را با برچسب هیجانی بودن کم‌اثر می‌کند. در روایت فدک، زن نه فقط در میدان عمومی حضور دارد، بلکه بر بالاترین سطح زبان، منطق و سواد حقوقی زمانه خودش مسلط است.

فرهنگ ثبت کردن در برابر فراموشی

یک پرسش مهم در این ماجرا وجود دارد که پاسخ آن دقیقا به کارکرد فرهنگ برمی‌گردد: آیا حضرت زهرا (س) نمی‌دانست که در توازن قوای آن روز مدینه، احتمالا باغ فدک بلافاصله به ایشان برگردانده نخواهد شد؟ شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن حضرت به خوبی از فضا و نتیجه فوری ماجرا آگاه بودند. پس چرا تمام مراحل را طی کردند؟ چرا شاهد آوردند، چرا با حاکم وقت وارد گفت‌وگوی حقوقی شدند و چرا در جمع مردم خطبه خواندند؟

پاسخ در یک اصل بنیادین فرهنگی است: سکوت، ناحق را به عادت تبدیل می‌کند. وقتی در برابر یک خطا سکوت می‌کنی، فقط یک حق مادی را از دست نمی‌دهی، بلکه به تاریخ اجازه می‌دهی روایت را یک‌طرفه بنویسد. کار حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه، نوعی ثبت در حافظه جمعی بود. ایشان می‌خواستند صدای اعتراض و استدلالش در گوش شهر و در حافظه نسل‌های بعدی بماند تا هیچکس نتواند



بگوید این ماجرا با رضایت یا بی‌تفاوتی گذشت. این همان نقشی است که ادبیات، روزنامه‌نگاری و فرهنگ در هر جامعه‌ای بازی می‌کنند، حرف زدن نه فقط برای بردن دعوای امروز، بلکه برای جلوگیری از عادی شدن بی‌عدالتی و فراموشی.

این روایت امروز به چه کار ما می‌آید؟

گفت‌وگو درباره زن در فرهنگ امروز ما اغلب میان دو افراط سرگردان است: از یک سو نگاه‌های سنت‌زده‌ای که زن را فقط در قاب سکوت و فداکاری بی‌چون‌وچرا می‌پذیرند و از سوی دیگر شعارهای سطحی که گاهی عمق، منطق و ریشه‌های فرهنگی را نادیده می‌گیرند. بازخوانی فرهنگی ماجرای فدک یک راه سوم و بسیار امروزی پیش پای ما می‌گذارد؛ راه کنشگری آگاهانه، باوقار و مستدل.

این روایت به ما یادآوری می‌کند که سواد حقوقی، تسلط بر کلمات و شجاعت حرف زدن در جمع، ابزارهایی هستند که به کرامت انسان معنا می‌دهند. شاید اگر قرار باشد در روزن حرفی تازه بزنیم که از دایره تعارف‌های تکراری بیرون برود، همین یادآوری کافی باشد که در حافظه فرهنگی ما، الگوی والایی هست که نه سکوت تحمیلی را پذیرفت و نه به هیاهوی بی‌منطق پناه برد؛ زنی که دانست دیوارها و قدرت‌ها می‌گذرند، اما کلمه‌ای که با منطق و شجاعت گفته شود، در تاریخ می‌ماند.

برگزاری نمایشگاه در مصلی

«ای ایران بخوان» شعار نمایشگاه کتاب شد



شورای سیاست‌گذاری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در نشست دیروز هشتم آذر، ضمن بررسی گزینه‌های پیشنهادی، شعار «ای ایران بخوان» را به عنوان شعار این دوره انتخاب و مصلای امام خمینی (ره) را نیز به عنوان محل برگزاری نمایشگاه اعلام کرد.

به گزارش «آگاه» از ستاد خبری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ظهر دیروز هشتم آذر ۱۴۰۵، با حضور محسن جوادی معاون امور فرهنگی و رئیس سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ابراهیم حیدری قائم‌مقام و سخنگوی نمایشگاه کتاب و سایر اعضای شورا برگزار شد.

در این نشست که با هدف تصمیم‌گیری درباره ارکان اجرایی و راهبردی رویداد تشکیل شد، دو محور اصلی شامل محل برگزاری نمایشگاه و انتخاب شعار این دوره در دستور کار قرار گرفت و پس از تبادل نظر میان اعضا، تصمیمات نهایی اتخاذ شد؛ بر این اساس مصلای امام خمینی (ره) به عنوان محل برگزاری دوره سی‌وهفتم انتخاب معرفی شد. همچنین در جریان این نشست، از میان شعارهای پیشنهادی مطرح شده، شعار «ای ایران بخوان» با کسب بیشترین آرا به عنوان شعار رسمی این دوره برگزیده شد.

انتخاب این شعار بازتاب دهنده پیوند عمیق میان هویت ملی و فرهنگ مطالعه است؛ شعاری که اهالی فرهنگ را به خواندن برای اعتلای ایران عزیز دعوت می‌کند و تجلی بخش رسالت کتاب در تقویت همبستگی و خرد جمعی است. جزییات بیشتر پیرامون ابعاد اجرایی، زمان‌بندی و تعداد ثبت‌نام ناشران متعاقبا از سوی ستاد خبری نمایشگاه اطلاع‌رسانی خواهد شد.

سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از دوم دی ۱۴۰۵ با شعار «ای ایران بخوان» در مصلای امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.

برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۶ در «چگونه شعر نخوانیم» پاسخ داده است

یافتن معنا ما را از خود شعر دور می‌کند؟



آن کارسون، شاعر و برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۶ در کتاب «چگونه شعر نخوانیم» نشان داده که تلاش برای رسیدن به تفسیری قطعی از شعر ممکن است خواننده را از خود اثر دور کند.

به گزارش «ایبنا» آن کارسون برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۶ در کتاب «چگونه شعر نخوانیم» به گفت‌وگوی سقراط و پروتاگوراس در رساله «پروتاگوراس» افلاطون می‌پردازد؛ جایی که این دو درباره شعری از سیمونیدس، شاعر یونان باستان، بحث می‌کنند و می‌کوشند معنای آن را از منظر فلسفی توضیح دهند. کارسون با بازخوانی این گفت‌وگو نشان می‌دهد که تلاش برای رسیدن به تفسیری قطعی از شعر ممکن است خواننده را از خود اثر دور کند. او با دقت پژوهشگری زبان‌شناس و حساسیت شاعری معاصر، در «چگونه شعر نخوانیم» با بررسی زبان شعر و شیوه مواجهه فیلسوفان با آن، به محدودیت‌های تفسیر فلسفی می‌پردازد.

کتاب دارای هشت فصل «پیش‌گفتار»، «چرا سیموندس؟»، «چگونه مدح را بسنجیم؟»، «چگونه عشق و نفرت را از هم تفکیک کنیم؟»، «بازپرداخت اراده»، «چرا پروتاگوراس؟»، «جابه‌جایی» و «ضمیمه» است و سعید امیری چیمه، مترجم اثر در پیش‌گفتار اشاره کرده که آن کارسون تلاش کرده که از میان تردید افلاطون، در تایید یا رد نظرات موجود به عصاره سه دیدگاه بنیادی درباره منشأ مرزی دست یابد که خیر را از شر جدا می‌کند و این کتاب جست‌وجویی برای شناختن هنری است که در تعریف آن سوفسطایی، فیلسوف و شاعر روبه‌روی هم می‌ایستند.

در بخشی از کتاب می‌خوانید: «اکنون به خوبی مشخص است که سقراط ایده‌هایی به شدت نو و عجیب درباره اراده انسانی داشته است. او نیمه دوم پروتاگوراس را به شرح برخی از آنها و به طور خاص این اندیشه که هیچ انسانی از روی اراده شرارت نمی‌ورزد اختصاص می‌دهد.

این عقیده سقراط درباره اراده آن گونه که در اینجا شرح می‌دهد مستقیما وابسته به آن چیزی است که او هنرسنجیدن که نجات‌بخش زندگانی ماست خطابش می‌کند هنری که نویدبخش شفاف‌سازی تفاوت خیر و شر برای همیشه است.

احتمالا این موضوع که سقراط بحث درباره اراده را با جابه‌جایی عبارت از روی اراده آغاز می‌کند تصادفی نبوده است. او قصد داشته تا این مفهوم را برساند که هنر سنجیدنی که مدیحه‌سرایان از آن استفاده می‌کنند نمی‌تواند متحمل اراده انسانی باشد، انتخاب‌های اخلاقی را شفاف کند یا نجاتّ‌بخش زندگانی ما باشد.

مدح، قضاوتی برون فردی است که از سوی شاعر اعلان و با عرف جامعه اعتبارسنجی می‌شود. مدح، دارای حرکتی از بیرون به درون است که حدود اعمال، انسان‌ها و مفاهیم را برای مکان‌یابی ارزش‌ها تعریف می‌کند. زمانی که پیندار می‌گوید: برسنجش فرودآی! پیروزش را به روشنایی‌ای دعوت می‌کند که از سوی خود شاعر تعریف شده است.

وقتی سیمونیدس می‌گوید: و عاقبت خدایان آنهایی را دوست می‌دارند که بهترین هستند؛ ناگفته این گونه استنباط می‌شود که هر آن کس که شاعر دوست بدارد، انسان نیکی است! او سپس با مدیحه‌سرایی در بندهای بعدی این استنباط را کامل می‌کند...»

انتشارات وزن دنیا کتاب «چگونه شعر نخوانیم» نوشته آن کارسون و ترجمه سعید امیری چیمه را در ۵۶ صفحه عرضه کرده است.

یادی از مرحوم استاد ابولفضل زرویی نصرآباد از زبان دوستان و همراهان

بزرگی و مرشدی را بلد بود

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: سال ۱۳۷۱ کیومرث صابری فومنی درباره جوانی ۲۳ ساله گفت: «قلمی که عبید و دهخدا در دست داشتند، الان بی‌صاحب نیست.» آن جوان، ابوالفضل زرویی نصرآباد بود؛ طنزپردازی که پشت نام‌های مستعار پرشمارش از «ملانصرالدین» تا «ننه قمر» پنهان می‌شد، به سرعت نامه نوشتن رباعی می‌سرود و پشت لبخندهای گزنده و رفاقت‌های بامعرفتش، روزگار سختی را در سکوت احمدآباد مستوفی تاب آورد.



آنکه نامش با تاریخ طنز معاصر گره بخورد، دانشجویی بود که استادانش خیلی زود فهمیدند «از آبشخور دیگری آب می‌خورد». عفت مستشارنیا، استاد ادبیات فارسی او در دانشگاه آزاد، سال‌ها بعد در صدوهفتادمین نشست «دگرخند» تصویر کمتر شنیده شده‌ای از آن روزها کشید: پسری قدبلند، سبیلو و بی‌نهایت مودب که به خاطر قد بلندش همیشه ته کلاس می‌نشست، چندان شیک پوش نبود و هروقت سوالی برایش پیش می‌آمد، آن را با یک مصرع شعر مطرح می‌کرد؛ دانشجویی که هر کتابی می‌خواند، برایش شعری می‌سرود و نزد استادش می‌آورد.

این ادب و حق‌شناسی تا سال‌های آخر همراهش ماند؛ چنانکه سال‌ها بعد، وقتی استادش پس از دوره‌ای طولانی بی‌خبری به سخنرانی او در فرهنگسرای نیاوران رفت، زرویی با دیدن او از میان جمع طنزپردازان با شوق به استقبالش شتافت و با احترام تمام او را معلم خود معرفی کرد. به روایت سیدعلی میرفتاح نیز، زرویی دانشجویی پرمطالعه با حافظه‌ای عجیب بود که وقتش را به بطالت نمی‌گذراند و بهترین لحظات رفاقت با او، لحظه کتاب خواندن در کنارش بود؛ تسلطش بر ادبیات کلاسیک، تاریخ و شناخت مردم ایران به گونه‌ای بود که میرفتاح او را «معماری می‌داند که متریال و مقاومت هر یک از مصالح را می‌شناسد» و همین شناخت بود که به شوخی‌هایش وزانتی خاص می‌بخشید.

قاه‌قاه گل‌آقا و تولد «عبید ۲۳ ساله»

ورودش به مطبوعات، دریچه‌ای بود که نامش را یک شبه بر سر زبان‌ها انداخت. احمد عربانی، کاریکاتوریست پیشکسوت و از اولین افراد اصلی «گل‌آقا»، روایت می‌کند که زرویی و سیامک ظریفی از شاگردان خواجه‌نوری (از چهره‌های قدیمی توفیق) بودند که به تحریریه گل‌آقا معرفی شدند؛ جایی که خود زرویی درباره‌اش می‌گفت: «شانس آورده‌ام پایم به گل‌آقا باز شده چون دانشگاه اصلی همین جاست».

ستون «تذکره المقامات» که با امضای «ملانصرالدین» و به سیاق «تذکره الاولیا»ی عطار درباره شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی می‌نوشت، خیلی زود گل کرد. عربانی روزی را به یاد می‌آورد که از جلوی اتاق کیومرث صابری فومنی رد می‌شده و صدای خنده قاه‌قاه او را شنیده است؛ صابری صدایش زده و در حالی که همچنان می‌خندید، گفته: «احمد بیا ببین این ابوالفضل فلان‌فلان‌شده چی نوشته!» زرویی در گوشه‌ای از تذکره المقامات نوشته بود: «فلانی فکر می‌کرد کارمند ک.گ.ب است اما معلوم شد که کارمند آ.ا.گ است». همان ذوق سرشار بود که صابری را واداشت درباره این طنزنویس ۲۳ ساله بگوید «قلم عبید و دهخدا بی‌صاحب نمانده و شهر چراغانی خواهد شد.» زرویی اما تنها در قالب ملانصرالدین نگنجید؛ در نشریاتی چون گل‌آقا، همشهری، جام جم، مهر، کیهان ورزشی و انتخاب، هر بار نقابی تازه به چهره زد و با نام‌های «چغندر میرزا»، «ننه قمر»، «کلثوم ننه»، «آمیز ممتقی»، «میرزا یحیی» و «عبدل» ستون‌ها را پر از طراوت کرد.

وقتی طنز از زنگ تفریح بیرون آمد

تبحر او در شعر و نثر، هم نسلانش را شگفت‌زده می‌کرد. سیدعلی میرفتاح می‌گوید «زرویی به همان سرعت که یک آدم نامه می‌نویسد، رباعی می‌نوشت» و نوشته‌هایش را اغلب با همان چرکنویس و پاکنویس داغ داغ برای مجله مهر می‌فرستاد. اما میراث بزرگ‌تر زرویی، بیرون کشیدن طنز از جایگاه «زنگ تفریح و مسخره‌بازی» بود. به تعبیر اسماعیل امینی، او با تاسیس دفتر طنز حوزه هنری، راه‌اندازی شب‌های شعر «در حلقه رندان» و نوشتن مقالات طنزپژوهی مانند کتاب «حدیث قند»، حیثیتی معنایی، زبانی و بلاغی برای طنز ساخت تا جدی گرفته شود.

زرویی در عین حال مرشدی و بزرگ‌تری بلد بود. سعید بیابانکی به صراحت می‌گوید این زرویی بود که او را وارد دنیای طنز کرد. امیر اسماعیلی، روزنامه‌نگار و سردبیر روزنامه «آگاه» از سال ۱۳۷۹ یاد می‌کند؛ وقتی دانشجوی سال اول بود و با دوستانش نشریه دانشجویی چهارصفحه‌ای «ترب» را روی یک برگ A۳ و یک ورق کاهی منگنه شده درمی‌آوردند. زرویی چنان با شوق از آن نشریه محقر تعریف می‌کرد که دانشجویان حس می‌کردند کسی شده‌اند. در همان آلاچیق حوزه هنری بود که با شلاق‌های ویرایشی او بر متن جوان‌های ۲۰ ساله، فیلمنامه سریال «کاکتوس ۳» جان گرفت؛ استادی که روزی به شاگردانش گفت: «به ازای تک‌تک ثانیه‌هایی که به شما فکر کرده‌ام از تون طلبکارم، طلبم را بدید» و همواره سفارش می‌کرد موقع نوشتن طنز، منصف باشند و تصور کنند «یک نفر روی شانه‌های شان ایستاده و در حال خواندن متن آنهاست».

فضانوردی که دوچرخه هم نداشت

بسیاری زرویی را با عنوان کتابش «بامعرفت‌های عالم» به یاد می‌آورند؛ لقبی که در زندگی شخصی هم برازنده‌اش بود. عباس حسین‌نژاد خاطره اوایل ازدواجش را تعریف می‌کند؛ روزهایی که زیر فشار مالی بود و ناگهان بسته‌ای از سوی زرویی به دستش رسید: یک چک هدیه و نامه‌ای کوتاه که در آن نوشته بود: «این پول از حلال‌ترین پول‌هایی است که در زندگی درآورده‌ام و من دوست داشتم تو را در آن شریک و سهیم کنم».

با این همه، شوخ طبعی‌اش حتی در برابر لطیفه‌های جعلی که به نام خودش می‌ساختند، کم نمی‌آورد. یک بار که جوکی منسوب به او در فضای مجازی چرخید با این مضمون که «بچه بودم می‌پرسیدند می‌خواهی چه کاره شوی، می‌گفتم بیکار و خوشحالم با پشتکار به آرمانم رسیدم!»، وقتی آن را برایش فرستادند با خونسردی و طنزپاسخ داد: «این مگه جوک نبود؟ من نگفتم. من دوست داشتم فضانورد شوم ولی کف پایم صاف بود و نشد، البته زبان و ریاضی‌ام هم ضعیف بود».

اما روزگار با این مرد خوش‌قلب به همان اندازه خوش‌طبع نبود. از همان سال‌های اوج در گل‌آقا، به گفته احمد عربانی، وقتی پیشنهادهای کاری تازه می‌آمد اجازه همکاری با جای دیگر به او ندادند و همین محدودیت مالی و دلخوری‌ها آغاز فصلی سخت بود. سال ۱۳۹۱ بود که با تلخی در گفت‌وگویی گفت «بعد از ۲۰ سال کار حتی دوچرخه هم ندارم». کم‌کم جفاها و ناملایمات شخصی او را به کنج خانه پدری در احمدآباد مستوفی کشاند؛ جایی که اگرچه رفقای نزدیکش به بهانه‌های مختلف به او سر می‌زدند، اما سرانجام شامگاه دهم آذر ۱۳۹۷ در ۴۹ سالگی بر اثر عارضه قلبی، چشم از جهان فروبست.

دو قاب کمتر دیده شده از زرویی

از «نهضت سبیلیات» تا «کارتن آخر کتاب درمانی»

بهار ۱۳۹۰ اتفاقی در محافل ادبی افتاد که در تاریخ طنز معاصر بی‌نظیر بود: ابوالفضل زرویی نصرآباد، سبیل مشهور و پرهیبتش را تراشید! این «اقدام تاثربرانگیز» با واکنش فوری دوستان شاعرش روبه‌رو شد و امید مهدی‌نژاد، طنزپرداز، نهضتی طنزآمیز به نام «سبیلی‌ات (فی حلق الزرویی شواربه)» به راه انداخت. در چند روز، شاعران طنزپرداز پشت سر هم برای سبیل از دست رفته مرثیه و اعتراضیه سرودند. سعید بیابانکی نوشت:

«فدای طنز مرغوب و اصیلت / به قربان صفای بی‌بدیلت / بیا تا یک‌صدا از او بپرسیم: / ابوالفضل زرویی! کو سبیلت؟»

محمدکاظم کاظمی ماجرا را گردن آرایشگر انداخت و گفت: «باور نتوان کرد چنین فاجعه بر تو / شاید گذرت خورده به سلمانی ناشی / از مردی تو آنچه عیان است سبیل است / حیف است اگر این چیز عیان را بتراشی». علیرضا قزوه پیشنهاد داد: «بعد از این کوچک‌ترین تغییر آن / با همه باید هماهنگی شود / طرح من این است: اول آن سبیل / ثبت در میراث فرهنگی شود!» و محمدرضا ترکی هم آن را «چک تضمینی طنز» خواند. آن شوخی جمعی، بهترین آینه جایگاه رفیقانه زرویی در میان شاعران بود.

کارتن آخر میراث مکتوب؛ آن روی جدی ملانصرالدین

اما در سوی دیگر این هیاهوی شیرین، زرویی خلوتی عمیق و جدی داشت. او تا روزی که دستش به دهانش می‌رسید به مرارت کتاب می‌خرید و به روایت عباس حسین‌نژاد، خودش را «کتاب درمانی» می‌کرد. وقتی دوستانش مجموعه کامل کتاب‌های موسسه «میراث مکتوب» را برایش تهیه کردند، گفت هروقت حالش بد می‌شود یک کارتن از آن کتاب‌ها را باز می‌کند و یک کارتن را کنار گذاشته برای روزی که «خیلی حالش بد است»؛ کارتنی که هیچ‌کس نفهمید پیش از رفتنش به آن رسید یا نه.

همین جهان دوگانه در کتاب‌هایش هم پیداست. از یک سو پژوهش طنزآمیز و خواندنی «خرپژوهی» درباره حضور خرد در ادبیات منظوم و منثور و از سوی دیگر رمان جدی و شاعرانه «ماه به روایت آه» که در ۱۲ فصل و از زبان ۱۲ راوی، زندگی حضرت ابوالفضل (ع) را روایت می‌کند و نشان می‌دهد قلم «ملانصرالدین» در وادی سوگ و ادبیات جدی نیز همان قدر پرطنین و ماندگار بود.



سیدمهدی هدایت، معاون مسکن و عمران شهری بنیاد مسکن:

۳۰۰ میلیون تومان ازهزینه ساخت مسکن دهک‌های یک تا چهار بخشیده شد

سرگردانی رانندگان در خیابان‌ها و تصرف خودسرانه معابر

شهری که برای پارک خودرو جا ندارد

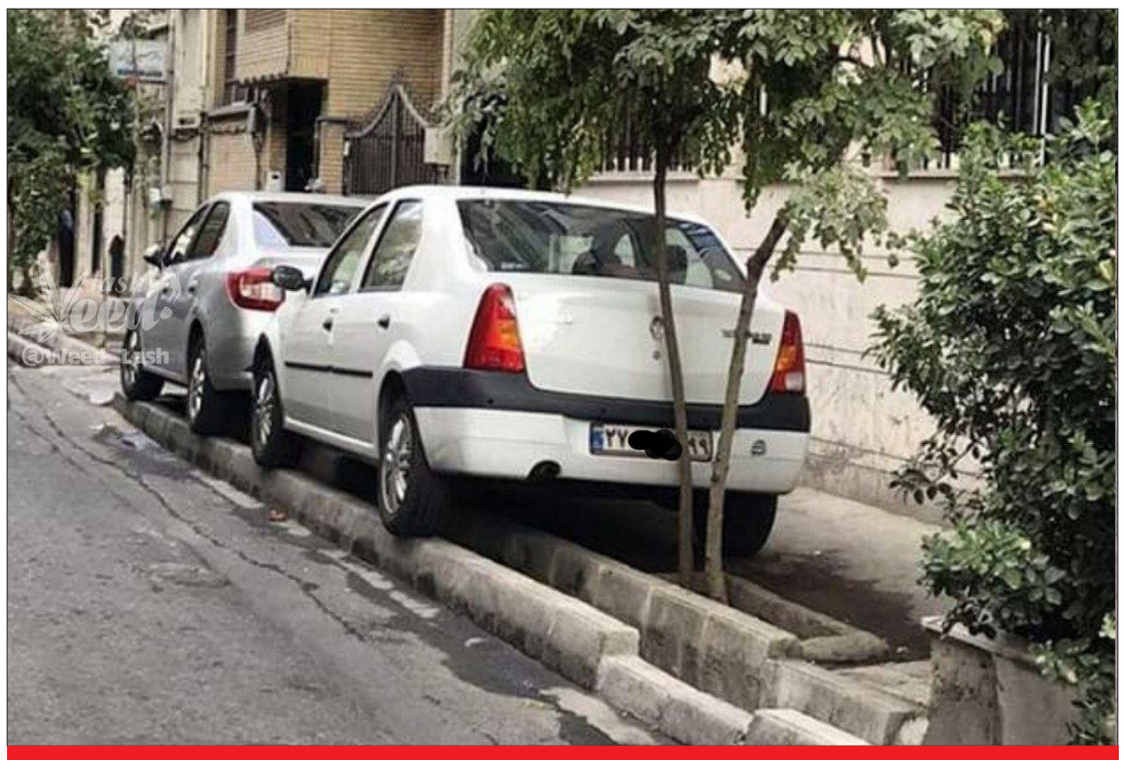

شهری که شهروندانش برای متوقف کردن خودرو باید ده‌ها دقیقه در خیابان بچرخند، پیش از آنکه به پارکینگ بیشتر نیاز داشته باشد، به مدیریت دقیق‌تر فضای شهری نیاز دارد

ساعت از هفت صبح گذشته است. راننده‌ای که به مقصد رسیده، به‌جای آنکه خودرو را خاموش کند و به دنبال کارش برود، همچنان در خیابان‌های اطراف می‌چرخد. یک بار خیابان اصلی را بالا می‌رود، بار دیگر وارد کوچه‌های فرعی می‌شود. چند خودرو هم درست مثل او در حال جست‌وجو هستند. یکی راهنما می‌زند تا ماشینی که در حال خروج است جای خود را به او بدهد، دیگری چند متر جلوتر ترمز می‌کند و راننده‌ای هم با دیدن فضای خالی کنار خیابان، خودرو را به‌سرعت به آن سمت می‌برد چون اگر این کار را نکند، چند خودرو در کمینش هستند.

به گزارش «آگاه» پیدا کردن جای پارک در تهران برای بسیاری از رانندگان، دیگر یک اتفاق ساده و چند دقیقه‌ای نیست گاهی ۱۵ دقیقه، گاهی ۲۰ دقیقه و در بعضی محدوده‌ها حتی ۳۰ تا ۴۰ دقیقه از وقت رانندگان را در خیابان‌هایی که ساختمان‌های اداری زیادی دارد، می‌گیرد. این زمان، جدا از هزینه سوخت و استهلاک خودرو، بخشی از زندگی روزمره شهروندانی را می‌بلعد که ممکن است برای یک مراجعه کوتاه اداری، خرید، دیدار خانوادگی یا حضور در محل کار، ناچار به استفاده از خودروی شخصی شده باشند.

اما ماجرای جای پارک در تهران فقط به تعداد خودروها و کمبود پارکینگ ختم نمی‌شود. در خیابان‌های پایتخت، گاهی یک فضای خالی چندمتری به موضوع رقابت چند راننده تبدیل می‌شود مقابل بعضی مغازه‌ها و ساختمان‌ها افراد خود را صاحب اختیار فضای عمومی می‌دانند، برخی با گذاشتن صندلی و کله‌قندی جای پارک را برای خود یا مشتریانشان نگه می‌دارند و عده‌ای هم از رانندگان برای توقف خودرو پول مطالبه می‌کنند بدون آنکه لزوما مجوزی برای این کار داشته باشند.

در سوی دیگر، رانندگانی قرار دارند که از شدت کمبود فضا به پارک دوبل، توقف روی پیاده‌رو یا اشغال ورودی ساختمان‌ها پناه می‌برند. نتیجه، شهری است که در آن پیدا کردن جای پارک به یکی از عوامل اتلاف وقت، افزایش ترافیک، تضییع حقوق دیگران و حتی درگیری‌های خیابانی تبدیل شده است.

۲۰ ساعت توقف در برابر چهار ساعت حرکت

یکی از نکات مهم در بررسی مسئله پارک خودرو، نسبت زمان حرکت به زمان توقف آن است. سیدمحمدسادات حسینی، استادیار دانشگاه امام حسن مجتبی (ع)، با همکاری دانشگاه آزاد تهران مرکز و دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، به سراغ طراحی و بررسی مدلی رفته‌اند که بتواند وجود فضای پارکینگ در معابر شهری را تشخیص دهد و برآورد کند. هدف اصلی آنها این بوده که با تکیه بر داده‌های واقعی از خیابان‌های شهر، الگویی ارائه دهند که نشان دهد در چه شرایطی احتمال وجود جای پارک بیشتر یا کمتر است. اهمیت این کار در آن است که نتیجه آن فقط برای پژوهش‌های دانشگاهی کاربرد ندارد، بلکه می‌تواند در زندگی روزمره شهروندان و همچنین در سامانه‌های شهری و نرم‌افزارهای مسیریابی نیز استفاده شود.

همچنین براساس این پژوهش، هر خودرو به طور متوسط چهار ساعت در حرکت و حدود ۲۰ ساعت در حالت توقف است. این نسبت یک پرسش اساسی درباره نحوه استفاده از فضای شهری ایجاد می‌کند اینکه چرا وسیله‌ای که بخش عمده شبانه‌روز را در حالت توقف می‌گذراند، باید چنین سهم بزرگی از فضای عمومی شهر را به خود اختصاص دهد؟

خودرو در زمان توقف نیز به فضای شهری نیاز دارد فضایی که در شهر پرتراکمی مانند تهران محدود و ارزشمند است. وقتی تعداد خودروهای شخصی افزایش پیدا می‌کند، اما ظرفیت پارکینگ‌ها، پارکینگ‌های عمومی و فضاهای مجاز توقف متناسب با آن رشد نمی‌کند، فشار به معابر بیشتر می‌شود.

البته مسئله فقط تعداد خودروها نیست. پراکندگی نامتوازن پارکینگ‌ها نیز اهمیت دارد. ممکن است در یک محدوده پارکینگ عمومی وجود داشته باشد، اما در محدوده‌ای دیگر که تمرکز مراکز درمانی، تجاری، اداری و خدماتی بالاست، ظرفیت پارک به شدت محدود باشد. به همین دلیل است که برخی خیابان‌ها در ساعات اداری با ازدحام خودروهای متوقف‌شده مواجه‌اند و در ساعات پایانی روز، محله‌های مسکونی با مشکل دیگری روبه‌رو می‌شوند خودروهایی که برای پارک شبانه به دنبال فضایی در اطراف محل سکونت خود هستند.

پارکینگ کم است یا مدیریت فضا مشکل دارد؟

یکی از دلایل اصلی کمبود جای پارک در تهران، افزایش تعداد خودروها و رشد تقاضا برای استفاده از فضای توقف است. با این حال، نمی‌توان تمام مسئله را به افزایش خودروها نسبت داد. تراکم فعالیت‌های اقتصادی و اداری در برخی مناطق، تمرکز مراکز درمانی و تجاری، ساخت‌وسازهای متراکم و نبود تناسب میان کاربری ساختمان‌ها و نیاز آنها به پارکینگ، از عواملی هستند که فشار بیشتری بر معابر وارد می‌کنند.

در بعضی محدوده‌ها، یک ساختمان اداری یا تجاری روزانه پذیرای تعداد زیادی مراجعه‌کننده است، اما ظرفیت پارکینگ آن پاسخگوی نیاز مراجعان نیست. در چنین شرایطی، خیابان و کوچه‌های اطراف عملا به پارکینگ تکمیلی ساختمان تبدیل می‌شود پارکینگی که هزینه کمبود ظرفیت آن را ساکنان محله و سایر رانندگان می‌پردازند.

از طرف دیگر، ظرفیت پارکینگ‌های موجود نیز همیشه به شکل مطلوب مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. برخی پارکینگ‌ها به دلایل اقتصادی، هزینه بالا، موقعیت مکانی نامناسب یا دشواری دسترسی، برای رانندگان جذابیت کافی ندارند. درنتیجه، ممکن است در یک محدوده فضای پارکینگ وجود داشته باشد، اما رانندگان ترجیح دهند خودرو را در حاشیه خیابان متوقف کنند.

این موضوع نشان می‌دهد که افزایش تعداد پارکینگ‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند راه‌حل کامل باشد؛ محل احداث، هزینه استفاده، دسترسی و نحوه مدیریت آنها نیز اهمیت دارد. غیر از این برخی از پارکینگ‌ها تنها برای کارکنان ساختمان‌های اداری است و حتی اگر جای خالی داشته باشد امکان ورود خودروی غیر به آن وجود ندارد.

خیابان عمومی یا پارکینگ اختصاصی؟

یکی از چالش‌های جدی جای پارک در تهران، اختلاف میان ساکنان، کسبه و رانندگان بر سر فضای مقابل ساختمان‌هاست. برخی صاحبان مغازه‌ها تصور می‌کنند فضای مقابل واحد تجاری آنها به دلیل قرارگرفتن در مجاورت ملکشان، حق اختصاصی آنهاست. بعضی ساکنان نیز معتقدند چون سال‌ها در یک ساختمان زندگی کرده‌اند، می‌توانند فضای مقابل خانه خود را برای توقف خودرویشان حفظ کنند. اما باید میان مالکیت ملک و حق استفاده از معبر عمومی تفاوت قائل شد.

کوچه و خیابان عمومی، ملک اختصاصی هیچ‌یک از ساکنان یا صاحبان کسب‌وکارهای مجاور نیست. بنابراین صرف قرارگرفتن یک فضای پارک در مقابل خانه یا مغازه، برای مالک یا مستاجر آن حق انحصاری ایجاد نمی‌کند. البته این موضوع به معنای مجاز بودن توقف در هر نقطه از معبر نیست. ورودی پارکینگ ساختمان‌ها، مسیرهای عبور و مرور، محل‌های دارای علائم ممنوعیت توقف و بخش‌هایی که توقف در آنها موجب اختلال در رفت‌وآمد می‌شود، تابع مقررات راهنمایی و رانندگی هستند.

درآمد از فضای عمومی

وقتی جای پارک به کالایی کمیاب تبدیل می‌شود، زمینه برای شکل‌گیری بازارهای غیررسمی نیز فراهم می‌شود. در بعضی نقاط شهر، افرادی با حضور در معابر، رانندگان را به سمت فضاهای خالی هدایت می‌کنند و در مقابل، از آنها پول می‌گیرند. در برخی موارد نیز افرادی با قراردادن موانع در یک فضای مشخص، آن را برای خود یا مشتریان‌شان نگه می‌دارند.

برخی از رانندگان شهرستانی هم هستند که چون شب‌ها داخل ماشین می‌خوابند صبح که به سر کار می‌روند جای خالی خودشان را به سرگردانان جای پارک می‌فروشند. برخی دیگر کمین می‌کنند و وقتی جای پارک پیدا کردند، خودروی‌شان را همان جا متوقف می‌کنند و بابت تعویض جای خودشان با دیگری، ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان پول می‌گیرند!

این رفتارها از نظر حقوق شهروندی محل اشکال است چون فضای عمومی خیابان و کوچه را نمی‌توان صرفا با تصرف فیزیکی به ملک شخصی تبدیل کرد. البته باید میان پارکبان دارای مجوز و فردی که خودسرانه از رانندگان پول می‌گیرد تفاوت گذاشت. دریافت بهای توقف در چارچوب طرح‌های مصوب پارک حاشیه‌ای و از سوی عوامل یا سامانه‌های مجاز، با مطالبه پول توسط افراد فاقد مجوز یکسان نیست.

پارک حاشیه‌ای در صورت اجرای درست می‌تواند به ساماندهی توقف خودروها، کاهش پارک طولانی‌مدت در نقاط پرتردد و افزایش امکان دسترسی سایر رانندگان کمک کند. اما اگر نظارت کافی وجود نداشته باشد، همین فضا می‌تواند به محلی برای سوءاستفاده افراد تبدیل شود. در این میان، شهروندان باید بدانند پرداخت پول به یک فرد خودخوانده لزوما به معنای برخورداری از حق قانونی برای پارک خودرو نیست.

پارک روی پیاده‌رو نیز شکل دیگری از انتقال هزینه کمبود پارکینگ به شهروندان است. راننده فضای لازم برای توقف خودرو را ندارد و در مقابل، مسیر عبور عابران پیاده را اشغال می‌کند. این رفتار به‌ویژه برای سالمندان، افراد دارای معلولیت، والدین همراه کودک و کسانی که از ویلچر استفاده می‌کنند، مشکلات جدی ایجاد می‌کند. توقف در تقاطع‌ها، حریم ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، مسیرهای عبور خودروهای امدادی و نقاط دارای ممنوعیت توقف نیز می‌تواند ایمنی و نظم ترافیکی را مختل کند. بنابراین، کمبود جای پارک نمی‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن حقوق دیگران باشد.

قانون چه می‌گوید؟

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی برای توقف و پارک خودرو محدودیت‌هایی تعیین کرده‌اند. اصل مهم این است که راننده نمی‌تواند صرفا به دلیل پیدا نکردن جای پارک، در هر نقطه‌ای از معبر توقف کند. آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، توقف در محل‌هایی را که موجب ایجاد خطر یا اخلال در عبور و مرور می‌شوند، ممنوع کرده است. از جمله این موارد می‌توان به توقف در پیاده‌رو، مقابل ورودی پارکینگ‌ها، روی گذرگاه عابر پیاده، در تقاطع‌ها و محل‌های دارای تابلو یا علائم ممنوعیت اشاره کرد. همچنین توقف دوبله در معابر عمومی و توقف در محل‌هایی که عبور سایر وسایل نقلیه را مختل می‌کنند، مشمول برخورد قانونی است.

در موضوع تصرف فضای عمومی نیز باید میان توقف مجاز خودرو و ایجاد مانع برای دیگران تفاوت قائل شد. هیچ شهروندی صرفا به دلیل سکونت یا فعالیت اقتصادی در یک ساختمان، اختیار مسدود کردن خودسرانه بخشی از خیابان یا کوچه را ندارد. از طرف دیگر، شهرداری و نهادهای مسئول نیز موظف‌اند در چارچوب وظایف قانونی خود برای ساماندهی معابر، مدیریت پارک حاشیه‌ای و تامین زیرساخت‌های مورد نیاز شهر اقدام کنند.

جای پارک، دلیل خشونت

درگیری بر سر جای پارک، یکی از پیامدهای اجتماعی کمبود فضای توقف در شهرهای پرتراکم است. گاهی یک راننده پس از چندین دقیقه جست‌وجو، فضای خالی را پیدا می‌کند، اما فرد دیگری مدعی می‌شود که آن محل را برای خود یا یکی از اعضای خانواده‌اش نگه داشته است. در موقعیتی دیگر، راننده‌ای خودرو را مقابل ساختمان متوقف می‌کند و با اعتراض ساکنان مواجه می‌شود. بعضی از این اختلاف‌ها با گفت‌وگو حل می‌شوند، اما در مواردی به مشاجره، تهدید و حتی برخورد فیزیکی می‌رسند.

وقتی شهروندان احساس کنند برای استفاده از فضای عمومی باید با دیگران رقابت کنند یا برای چند متر جای پارک پاسخگوی افراد مختلف باشند، تنش‌های روزمره نیز افزایش پیدا می‌کند. البته نمی‌توان همه درگیری‌های مربوط به پارک خودرو را صرفا به کمبود پارکینگ نسبت داد؛ گاهی رفتارهای پرخاشگرانه، ناآگاهی از حقوق شهروندی و نبود سازوکار مناسب برای رسیدگی به اختلاف‌ها نیز در بروز این اتفاقات نقش دارند.

مقصدهای بدون پارکینگ کافی

یکی از موقعیت‌هایی که کمبود جای پارک در آن بیش از سایر نقاط احساس می‌شود، مراکز درمانی است. مراجعه‌کنندگان بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها اغلب در شرایطی قرار دارند که نمی‌توانند زمان زیادی را صرف جست‌وجوی پارکینگ کنند. همراه بیمار ممکن است مجبور باشد خودرو را در فاصله‌ای دور متوقف کند و بیمار را با دشواری به مرکز درمانی برساند. در مراکز تجاری و اداری نیز شرایط مشابهی وجود دارد. تمرکز تعداد زیادی از مراجعه‌کنندگان در ساعات مشخص، تقاضای پارک را افزایش می‌دهد. اگر ظرفیت پارکینگ این مراکز متناسب با میزان مراجعه نباشد، بار توقف خودروها به خیابان‌های اطراف منتقل می‌شود.

ساخت پارکینگ طبقاتی مشکل را حل می‌کند؟

یکی از راهکارهایی که معمولا در مواجهه با کمبود جای پارک مطرح می‌شود، احداث پارکینگ‌های عمومی و طبقاتی است. این پارکینگ‌ها می‌توانند با استفاده از یک قطعه زمین، ظرفیت بیشتری نسبت به پارک سطحی ایجاد کنند و در محدوده‌هایی که امکان گسترش فضای پارک وجود ندارد، راهگشا باشند.

اما احداث پارکینگ طبقاتی به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل را در تمام نقاط تهران برطرف کند. نخست آنکه محل احداث پارکینگ اهمیت زیادی دارد. اگر پارکینگ در فاصله‌ای دور از مراکز پرتردد ساخته شود، ممکن است رانندگان همچنان توقف در حاشیه خیابان را ترجیح دهند. دوم آنکه هزینه استفاده از پارکینگ باید متناسب با توان پرداخت شهروندان و شرایط اقتصادی منطقه باشد. سوم آنکه احداث پارکینگ در محدوده‌های پرتردد، اگر بدون توجه به ظرفیت معابر و دسترسی حمل‌ونقل عمومی انجام شود، می‌تواند به جذب خودروهای بیشتر و افزایش ترافیک منجر شود.

بنابراین، سیاست پارکینگ‌سازی باید با برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری همراه باشد. هدف فقط فراهم کردن فضای بیشتر برای خودروها نیست؛ بلکه باید دسترسی شهروندان به مقصدها نیز آسان‌تر شود. جای پارک شاید در ظاهر فقط چند متر از خیابان باشد، اما وقتی پیدا کردن همین چند متر، نیم ساعت از وقت شهروندان را می‌گیرد، افراد را به پرداخت پول غیررسمی وادار می‌کند یا به درگیری میان همسایه‌ها و رانندگان می‌انجامد، دیگر نمی‌توان آن را مسئله‌ای کوچک دانست.

برخوردهای مردمی با متخلفان جای پارک

برخی اوقات شده از کنار خودرویی عبور می‌کنید و می‌بینید برف پاک‌کن آن از روی شیشه بلند شده و رو به بالا قرار دارد. چند سالی است که این حرکت به یک نوع اعتراض مردمی تبدیل شده است. افرادی که محل عبورشان مختل شده یا از خودروی پارک شده در آن مکان ناراضی هستند، برای اینکه راننده را متوجه تخلف خود کنند، این حرکت را انجام می‌دهند. بنابراین، اگر زمانی دیدید برف پاک‌کن شما به شکل نادرستی قرار دارد، بدانید جای خوبی پارک نکرده‌اید و موجب مزاحمت عده‌ای شده‌اید.



۱۷ گل در هشت دیدار هفته چهاردهم رویید

پرسپولیس و معضل بالای جدولی‌ها

محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: رقابت‌های هفته چهاردهم لیگ برتر فوتبال با برگزاری هشت دیدار طی روزهای پنج‌شنبه، جمعه و شنبه پیگیری شد و البته یک دیدار این هفته هم امروز (دوشنبه نهم آذر) برگزار می‌شود. در ادامه به بررسی بازی‌های برگزارشده در این هفته پرداخته‌ایم.

پنج‌شنبه پنجم آذر در تک دیدار برگزارشده چادرملو اردکان میزبان مس شهربابک بود. دو تیم در یک دیدار پرگل به تساوی ۲-۲ رضایت دادند. با این نتیجه چادرملو در جایگاه هفتم جدول جای گرفت اما مسی‌ها همچنان جایگاه آخر جدول را در اختیار دارند و تنها تیم بدون برد لیگ برتر هستند. جمعه ششم آذر چهار دیدار برگزار شد. در دیدار اول پیکان تهران توانست از فولاد خوزستان یک امتیاز بگیرد. این دیدار بدون ردوبدل شدن گل به پایان رسید. فولاد که در جایگاه سوم جدول قرار دارد سومین هفته متوالی است که مساوی می‌کند و پیکان رده دوازدهمی بعد از باخت هفته قبل به این تساوی دست یافت. در دیدار دوم شمس آذر میزبان خیبر خرم‌آباد بود. شمس آذری‌ها در ادامه ناکامی‌های این فصل خود برای چهارمین هفته متوالی شکست خوردند. قزوینی‌ها یک- صفر مغلوب خرم‌آبادی‌ها شدند تا در جایگاه هفدهم جدول بعد از مس شهربابک دومین کاندیدای سقوط به لیگ یک لقب بگیرند. خیبر با این نتیجه در رده دهم جدول قرار گرفت. اما پرسپولیس تهران که این فصل نشان داده در مقابل تیم‌های نیمه بالای جدول به مشکل می‌خورد نتوانست از سد آلومینیوم اراک عبور کند. این دیدار با تساوی یک- یک به پایان رسید تا دو تیم در نیمه بالای جدول (پرسپولیس دوم و آلومینیوم ششم) قرار بگیرند. در آخرین دیدار این روز استقلال خوزستان میزبان ملوان انزلی بود. ملوانی‌ها که چند هفته‌ای است با حاشیه‌های مختلف دست و پنجه نرم می‌کنند در این دیدار هم راه به جایی نبردند و با یک گل مغلوب خوزستانی‌ها شدند تا طی چهار هفته اخیر فقط باخته باشند. ملوان تیم شانزدهم جدول است و استقلال خوزستان تیم سیزدهم. در ادامه و روز شنبه سه دیدار برگزار شد که در مهم‌ترین دیدار این روز تراکتور رده پنجمی میزبان ذوب‌آهن رده یازدهمی بود. مسابقه‌ای که برای تبریزی‌ها مهم بود و امیدوار به برد در آن بودند با شکست ۲- صفر تی‌تی‌ها به پایان رسید تا صدای اعتراض هواداران تبریزی به گوش برسد. جواد نکونام که در آسیا هم نتایج خوبی نگرفته است اگر می‌خواهد از این وضعیت نجات پیدا کند باید فکری به حال تیمش بکند. در دومین دیدار این روز استقلال تهران میزبان صنعت نفت آبادان بود و توانست با یک گل از سد حریف جنوبی خود عبور کند. همین یک گل کافی بود تا آبی‌پوشان تهرانی بالاتر از تراکتور در جایگاه چهارم جدول قرار بگیرند. آبادانی‌ها بعد از دو برد خوب در دو هفته گذشته با این شکست در جایگاه پانزدهم قرار گرفتند. اما در پرگل‌ترین بازی این هفته سپاهان با پنج گل نساجی مازندران را درهم کوبید تا همچنان صدر جدول را حفظ کند. نساجی در این مسابقه یک گل زد و دیگر هیچ حرفی برای گفتن نداشت. نساجی با این شکست در جایگاه چهاردهم جدول قرار گرفت. دیدار گل‌گهر سیرجان- فجرسپاسی شیراز هم امروز (دوشنبه) برگزار می‌شود. سیرجانی‌ها و شیرازی‌ها در جدول همسایه (هشتم و نهم) هستند و هرکدام برنده این مسابقه شوند می‌توانند یکی، دو پله صعود را تجربه کنند.



در نشست بین منطقه‌ای کمیسیون‌های ملی یونسکو تاکید شد

تقویت همکاری‌های بین‌المللی و گفت‌وگوهای بین فرهنگی

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، در سیزدهمین نشست بین منطقه‌ای کمیسیون‌های ملی یونسکو در آنکارا، ضمن تشریح دستاوردهای دو سال اخیر این کمیسیون در حوزه‌های آموزش، علم، فرهنگ و توسعه پایدار، با اشاره به چالش‌ها و تنش‌های فزاینده در جهان امروز، بر اهمیت ماموریت بنیادین یونسکو در تحکیم صلح، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، گسترش گفت‌وگوهای بین فرهنگی و ایجاد درک متقابل میان ملت‌ها تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» سیزدهمین نشست بین منطقه‌ای کمیسیون‌های ملی یونسکو، روزهای ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۲۰۲۶ (۵ و ۶ آذر ۱۴۰۵)، به میزبانی کمیسیون ملی یونسکو در ترکیه و با حضور دبیران‌کل و نمایندگان کمیسیون‌های ملی کشورهای عضو و مقامات ارشد یونسکو در آنکارا برگزار شد. این نشست با هدف تقویت نقش کمیسیون‌های ملی در چارچوب اصلاحات یونسکو ۸۰ (UNESCO80)، مشارکت در شکل‌دهی به برنامه و بودجه آتی سازمان و تبدیل اولویت‌های منطقه‌ای به همکاری‌های عملی برگزار شد.

در این رویداد، حسن فرطوسی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، به‌عنوان یکی از پنج کمیسیون ملی منتخب، در بخش ارائه تجربه‌ها و دستاوردها سخنرانی کرد و مهم‌ترین اقدامات کمیسیون در دو سال اخیر را تشریح کرد. فرطوسی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به چالش‌ها و تنش‌های فزاینده در جهان امروز، بر اهمیت ماموریت بنیادین یونسکو در برقراری و تحکیم صلح تاکید کرد. وی نقش این سازمان را در تقویت همکاری‌های بین‌المللی، گسترش گفت‌وگوهای بین فرهنگی و ایجاد درک متقابل میان ملت‌ها حائز اهمیت دانست و بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و آموزشی یونسکو برای نزدیک‌تر کردن ملت‌ها، تقویت همبستگی جهانی و فراهم آوردن زمینه‌های تحقق صلح پایدار تاکید کرد. وی با اشاره به برنامه‌های کمیسیون در حوزه آموزش، از اجرای طرح توانمندسازی معلمان با تمرکز بر آموزش زنان افغانستان و همچنین همکاری‌های مشترک با یونسکو، یونیسف و ژاپن در زمینه توانمندسازی آموزشی یاد کرد. فرطوسی همچنین همکاری یونسکو، شبکه بین‌المللی آموزش فنی و حرفه‌ای یونسکو (UNEVOC) و آژانس همکاری بین‌المللی کره (KOICA) در زمینه مهارت‌آموزی جوانان و تحول دیجیتال را از دیگر تجربه‌های کمیسیون برشمرد و به برنامه روایت تجربه‌های زیسته زنان ورزشکار دارای معلولیت و کارگاه‌های جامعه‌محور توسعه پایدار در جزایر جنوب کشور با محوریت گردشگری پایدار و سواد اقیانوسی اشاره کرد.

افزایش کرسی‌های یونسکو و تقویت شبکه مراکز نوع ۲

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تقویت شبکه کرسی‌های یونسکو را از دیگر اولویت‌های کمیسیون دانست و اعلام کرد که تعداد این کرسی‌ها طی دو سال اخیر از ۱۸ به ۲۲ افزایش یافته است. وی همچنین با اشاره به فعالیت هفت مرکز نوع ۲ در حوزه علوم و یک مرکز در حوزه فرهنگ و میراث فرهنگی ناملموس در ایران، بر ضرورت تقویت همکاری و هم‌افزایی میان این مراکز تاکید کرد.

فرطوسی در نشست تخصصی منطقه آسیا و اقیانوسیه نیز با تاکید بر ظرفیت چندرشته‌ای یونسکو، توسعه همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های آموزش، علم، فرهنگ، هوش مصنوعی، حفاظت از اقلیم و میراث فرهنگی و مشارکت جوانان و زنان را ضروری دانست. در این نشست، موضوعاتی همچون برنامه مشارکت یونسکو (Participation Programme)، تقویت همکاری میان کمیسیون‌های ملی و دفاتر یونسکو، تامین منابع و توسعه همکاری‌های مشترک نیز بررسی شد.



مجید جودی، معاون مسکن روستایی بنیاد مسکن:

۸۰ هزار واحد مسکن محرومان تا پایان سال تکمیل می‌شود

دوشنبـه/۹ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۷۰۳

بیماری خاموشی که دیگر سن و سال نمی‌شناسد

زنگ خطر دیابت در نسل جوان



افزایش ابتلا به دیابت در نوجوانان و جوانان، زنگ خطری جدی برای سلامت جامعه است؛ تغییر سبک زندگی، چاقی و کم‌تحرکی در کنار عوامل ژنتیکی، این بیماری را به یکی از تهدیدهای مهم سلامت نسل جدید تبدیل کرده است.

به گزارش «آگاه» دیابت را می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت در دنیای امروز دانست؛ بیماری‌ای که آرام و بی‌صدا پیشرفت می‌کند و ممکن است سال‌ها بدون علامت باقی بماند. اما آنچه امروز نگرانی‌ها درباره این بیماری را دوچندان کرده، تنها افزایش شمار مبتلایان نیست، بلکه تغییر گروه سنی بیماران است. دیابت که در گذشته بیشتر با دوران میانسالی و سالمندی شناخته می‌شد، حالا به زندگی نوجوانان و جوانان نیز راه پیدا کرده است.

گزارش‌های حوزه سلامت در کشور از کاهش سن ابتلا به دیابت حکایت دارند؛ روندی که در کنار افزایش موارد اضافه وزن و چاقی در سنین پایین، ضرورت توجه جدی‌تر به این بیماری را نشان می‌دهد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم دیابت در صورت تشخیص دیرهنگام یا کنترل نامناسب، می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری برای فرد به همراه داشته باشد.

دیابت فقط بیماری بزرگسالان نیست

دیابت اختلالی متابولیک است که در آن قند خون به دلیل اختلال در تولید یا عملکرد انسولین افزایش پیدا می‌کند. انسولین هورمونی است که به ورود قند از خون به سلول‌ها کمک می‌کند و بدن برای تامین انرژی به آن نیاز دارد.

این بیماری انواع مختلفی دارد. دیابت نوع یک معمولا در کودکی و نوجوانی بروز می‌کند و زمانی اتفاق می‌افتد که سیستم ایمنی بدن به اشتباه سلول‌های تولیدکننده انسولین در لوزالمعده را از بین می‌برد. در نتیجه، بدن انسولین کافی تولید نمی‌کند و بیمار برای ادامه زندگی به تزریق این هورمون نیاز دارد. این نوع دیابت ارتباط مستقیمی با مصرف شیرینی یا چاقی ندارد.

دیابت نوع دو، شایع‌ترین نوع بیماری است و زمانی ایجاد می‌شود که سلول‌های بدن نسبت به انسولین مقاومت پیدا می‌کنند. این نوع دیابت در گذشته بیشتر در بزرگسالان دیده می‌شد، اما امروزه به دلیل تغییر سبک زندگی، در کودکان، نوجوانان و جوانان نیز افزایش یافته است. نوع دیگری از بیماری نیز دیابت بارداری است که در دوران بارداری بروز می‌کند و می‌تواند خطر ابتلای مادر به دیابت نوع دو را در سال‌های آینده افزایش دهد.

سبک زندگی ناسالم؛ متهم اصلی کاهش سن ابتلا

یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش دیابت نوع دو در سنین پایین، تغییر سبک زندگی است. کم‌تحرکی، استفاده طولانی‌مدت از تلفن همراه و رایانه، کاهش فعالیت‌های ورزشی و مصرف غذاهای پرکالری، زمینه افزایش وزن و مقاومت به انسولین را فراهم کرده‌اند.

در کنار این عوامل، مصرف نوشابه‌ها و نوشیدنی‌های شیرین، فست‌فودها و مواد غذایی فرآوری شده نیز در افزایش خطر ابتلا نقش دارد. چاقی دوران کودکی و نوجوانی، به‌ویژه تجمع چربی در ناحیه شکم، می‌تواند احتمال ابتلا به دیابت نوع دو را افزایش دهد. البته همه عوامل به سبک زندگی محدود نمی‌شوند. سابقه خانوادگی، زمینه ژنتیکی، اختلالات خواب و برخی مشکلات هورمونی نیز در ابتلا موثر هستند. بنابراین کاهش سن ابتلا به دیابت را باید نتیجه مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی دانست. ابتلا در سنین پایین نگرانی بیشتری ایجاد می‌کند؛ زیرا فرد ممکن است سال‌های طولانی با بیماری زندگی کند و در صورت کنترل نامناسب، زودتر با عوارض آن مواجه شود.

دیابت قابل کنترل است، اما درمان آن نیازمند پیگیری مداوم است

اگرچه دیابت در حال حاضر برای اغلب مبتلایان درمان قطعی و همگانی ندارد، اما با روش‌های درمانی موجود می‌توان آن را به‌خوبی کنترل کرد. شیوه درمان به نوع دیابت و شرایط جسمانی بیمار بستگی دارد.

افراد مبتلا به دیابت نوع یک به تزریق انسولین نیاز دارند. در دیابت نوع دو، اصلاح تغذیه، کاهش وزن و افزایش فعالیت بدنی از اقدامات اصلی درمان هستند و در صورت نیاز، پزشک داروهای خوراکی یا تزریقی تجویز می‌کند. برخی بیماران نیز ممکن است به انسولین نیاز پیدا کنند.

پایش منظم قند خون، مصرف صحیح داروها و مراجعه دوره‌ای به پزشک از مهم‌ترین اصول کنترل بیماری هستند. تشخیص زودهنگام نیز می‌تواند از پیشرفت بیماری و بروز بسیاری از عوارض جلوگیری کند.

پیشگیری را باید از کودکی آغاز کرد

بخش امیدوارکننده ماجرا این است که در بسیاری از موارد می‌توان از دیابت نوع دو پیشگیری کرد یا زمان بروز آن را به تاخیر انداخت. داشتن تغذیه متعادل، حفظ وزن مناسب، کاهش مصرف قندهای افزوده و غذاهای پرچرب و افزایش فعالیت بدنی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری هستند.

کودکان و نوجوانان باید روزانه دست‌کم ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی داشته باشند و بزرگسالان نیز حداقل ۱۵۰ دقیقه فعالیت بدنی با شدت متوسط در هفته را در برنامه خود قرار دهند. همچنین جایگزین کردن نوشیدنی‌های شیرین با آب، افزایش مصرف سبزیجات و میوه‌های کامل و کاهش مصرف غذاهای فرآوری‌شده می‌تواند نقش مهمی در کاهش خطر ابتلا داشته باشد.

در کنار اصلاح سبک زندگی، غربالگری افراد در معرض خطر نیز اهمیت دارد. افرادی که اضافه وزن دارند یا سابقه خانوادگی دیابت در آنها وجود دارد، باید با نظر پزشک برای بررسی قند خون اقدام کنند.

کاهش سن ابتلا به دیابت تنها یک مسئله پزشکی نیست؛ بلکه هشداری اجتماعی برای آینده سلامت کشور است. مقابله با این روند به همکاری خانواده‌ها، مدارس، نظام سلامت و سیاست گذاران نیاز دارد. فراهم کردن امکان فعالیت بدنی در مدارس، آموزش تغذیه سالم و افزایش آگاهی عمومی می‌تواند از گسترش این بیماری جلوگیری کند.

دیابت دیگر بیماری مختص دوران سالمندی نیست. اگر امروز برای اصلاح سبک زندگی نسل جوان اقدام نکنیم، فردا با نسلی روبه‌رو خواهیم شد که سال‌های زیادی از عمر خود را باید با عوارض یک بیماری مزمن سپری کند. پیشگیری از دیابت باید از کودکی آغاز شود؛ چراکه هزینه پیشگیری، به‌مراتب کمتر از هزینه درمان و مقابله با عوارض آن است.

دیابت؛ از نشانه‌های هشدار تا هزینه‌های پنهان بیماری

بر اساس برآوردهای فدراسیون بین‌المللی دیابت، در سال ۲۰۲۴ حدود پنج میلیون و ۴۵۰ هزار بزرگسال در ایران به دیابت مبتلا بوده‌اند. در کنار این آمار، شمار قابل‌توجهی از افراد نیز در مرحله پیش‌دیابت قرار دارند؛ وضعیتی که در آن قند خون بالاتر از حد طبیعی است، اما هنوز به محدوده تشخیص دیابت نرسیده است. این افراد در صورت بی‌توجهی به تغذیه، وزن و فعالیت بدنی، ممکن است در آینده به دیابت نوع دو مبتلا شوند.

علائمی که نباید نادیده گرفته شوند

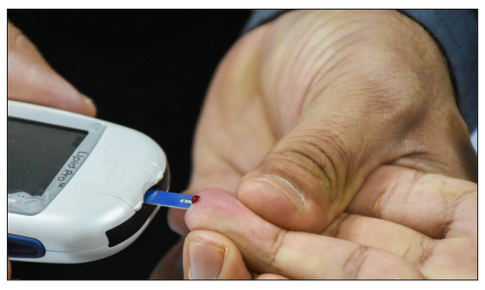

تشنگی مداوم، تکرر ادرار به‌ویژه در طول شب، گرسنگی بیش از حد، کاهش وزن بدون دلیل مشخص، خستگی و ضعف، تاری دید و دیر خوب شدن زخم‌ها از مهم‌ترین نشانه‌های احتمالی دیابت هستند. همچنین عفونت‌های مکرر می‌توانند از علائم هشداردهنده باشند. نکته مهم این است که دیابت نوع دو گاهی بدون علامت مشخص پیشرفت می‌کند؛ بنابراین انجام آزمایش قند خون برای افراد در معرض خطر اهمیت زیادی دارد.

هزینه‌های پنهان یک بیماری مزمن

دیابت علاوه بر تهدید سلامت، هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی به خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. هزینه دارو، انسولین، آزمایش‌ها، تجهیزات سنجش قند خون و بستری‌های درمانی تنها بخشی از این بار مالی است.

خطر اصلی دیابت، افزایش مداوم قند خون و آسیب تدریجی به اندام‌های بدن است. کنترل نشدن بیماری می‌تواند احتمال ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی، سکته مغزی، نارسایی کلیه، آسیب شبکیه چشم و اختلالات عصبی را افزایش دهد. در موارد پیشرفته نیز زخم پای دیابتی و حتی قطع عضو از پیامدهای احتمالی بیماری است.

از این رو، آموزش تغذیه سالم در مدارس، افزایش امکانات ورزشی، تشویق خانواده‌ها به فعالیت بدنی و غربالگری افراد در معرض خطر باید در اولویت برنامه‌های سلامت قرار گیرد. پیشگیری از دیابت نه‌تنها کیفیت زندگی افراد را حفظ می‌کند، بلکه از تحمیل هزینه‌های سنگین درمانی به جامعه نیز جلوگیری خواهد کرد.

هشدار درباره افزایش ابتلا در سنین پایین

رئیس مرکز تحقیقات عملکردی مغز و اعصاب دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با هشدار نسبت به کاهش سن ابتلا به دیابت در کشور اعلام کرد که این بیماری اکنون در میان جوانان و حتی نوجوانان نیز مشاهده می‌شود؛ روندی نگران‌کننده که ضرورت غربالگری و توجه به عوامل خطر را افزایش داده است.

علیرضا زالی با اشاره به افزایش شیوع این بیماری در کشور گفت: از هر هفت ایرانی، یک نفر به دیابت مبتلاست و ایران در منطقه‌ای قرار دارد که با رشد قابل توجه این بیماری روبه‌روست. به گفته وی، حدود ۹۰ درصد مبتلایان در کشور به دیابت نوع دو دچار هستند؛ نوعی از بیماری که با مقاومت بدن به انسولین ارتباط دارد و عواملی مانند چاقی و کم‌تحرکی در بروز آن نقش دارند.

وی با بیان اینکه سن ابتلا به دیابت کاهش یافته است، افزود: این بیماری دیگر محدود به بزرگسالان نیست و موارد ابتلا در میان نوجوانان نیز مشاهده می‌شود. همچنین میزان شیوع دیابت در مناطق روستایی افزایش یافته است. به گفته زالی، استان‌های یزد، مازندران و گیلان از جمله مناطق دارای شیوع بالای دیابت هستند و چاقی و کم تحرکی از عوامل موثر در افزایش آمار ابتلا به‌ویژه در مازندران به شمار می‌روند.

پیش‌دیابت؛ مرحله‌ای که نباید نادیده گرفته شود

رئیس مرکز تحقیقات عملکردی مغز و اعصاب با تاکید بر اهمیت شناسایی افراد در مرحله پیش‌دیابت اظهار کرد: برآورد می‌شود حدود ۱۸.۵ تا ۲۰ درصد جمعیت در این مرحله قرار داشته باشند؛ هرچند این رقم هنوز قطعی نیست.

وی افزود: افراد در مرحله پیش‌دیابت با اصلاح سبک زندگی و رعایت اصول تغذیه و فعالیت بدنی می‌توانند از ابتلا به دیابت جلوگیری کنند. در غیر این صورت، احتمال پیشرفت بیماری و ورود به مرحله دیابت افزایش می‌یابد.

زالی همچنین با اشاره به وضعیت آگاهی مردم از بیماری خود گفت: بر اساس مطالعه سال ۱۴۰۰، حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد مبتلایان از دیابت خود اطلاع نداشتند، اما اکنون حدود سه‌چهارم افراد مبتلا از بیماری خود آگاه هستند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت اطلاع‌رسانی و گسترش برنامه‌های تشخیصی است.

دیابت چگونه به مغز و قلب آسیب می‌زند؟

این متخصص با بیان اینکه دیابت می‌تواند تقریبا تمام بافت‌های بدن را تحت تاثیر قرار دهد، نسبت به عوارض عصبی و عروقی آن هشدار داد. به گفته وی، افزایش قند خون به عروق کوچک و بزرگ آسیب می‌زند و خطر سکته مغزی را در افراد مبتلا افزایش می‌دهد. وی همچنین سکته قلبی و اختلال در ضربان قلب را از دیگر پیامدهای احتمالی بیماری دانست و افزود: برخی مشکلات قلبی در بیماران دیابتی حتی ممکن است بدون درد بروز کنند.

درگیری اعصاب محیطی، اختلالات حسی و حرکتی، مشکلات بینایی، عفونت‌های ادراری، احتباس ادرار و سنگ کلیه از دیگر عوارض دیابت هستند. همچنین آسیب به سیستم عصبی دستگاه گوارش می‌تواند موجب کند شدن حرکات معده و بروز اختلالات گوارشی شود. کاهش میل و توان جنسی نیز از مشکلاتی است که ممکن است در مردان و زنان مبتلا مشاهده شود.

چه زمانی باید آزمایش قند خون داد؟

زالی با تاکید بر اهمیت تشخیص زودهنگام، قند خون ناشتا کمتر از ۱۰۰ میلی‌گرم در دسی‌لیتر را مطلوب دانست و گفت: قند خون ناشتا ۱۲۶ میلی‌گرم در دسی‌لیتر یا بالاتر، در صورت تایید آزمایشگاهی، در محدوده تشخیص دیابت قرار می‌گیرد.

وی توصیه کرد افراد زیر ۳۵ سال که دچار چاقی هستند یا سابقه خانوادگی دیابت، فشار خون و سکته دارند، برای بررسی قند خون اقدام کنند. همچنین افراد بالای ۳۵ سال بهتر است دست‌کم یک بار آزمایش قند خون انجام دهند.

رئیس مرکز تحقیقات عملکردی مغز و اعصاب در پایان با اشاره به اجرای برنامه غربالگری بیماری‌های غیرواگیر از جمله دیابت، بر ضرورت شناسایی افراد پرخطر، پایش مستمر قند خون و اصلاح سبک زندگی تاکید کرد؛ اقداماتی که می‌توانند از گسترش بیماری و بروز عوارض جدی آن جلوگیری کنند.

ضرب‌الاجل نظارتی به دستگاه‌ها برای اجرای قانون جوانی جمعیت



رئیس سازمان بازرسی کل کشور ضمن دستور تشدید نظارت بر اجرای قانون جوانی جمعیت و برخورد با ترک فعل دستگاه‌ها، مسئله جمعیت را از مؤلفه‌های مهم اقتدار و پیشرفت ایران دانست.

به گزارش «آگاه» اصغر جهانگیر روز یک‌شنبه در جمع تعدادی از مدیران سازمان بازرسی با اشاره به پیام رهبر انقلاب به چهارمین رویداد ملی جوانی جمعیت، بر ضرورت تشدید نظارت‌های سازمان بر اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مطالبه جدی تکالیف قانونی دستگاه‌های اجرایی و پیگیری قاطع ترک فعل مدیران تاکید کرد و خواستار به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های نظارتی سازمان برای رفع موانع و تسریع در اجرای این قانون شد.

جهانگیر اظهار کرد: همان گونه که در پیام مقام رهبری مورد تاکید قرار گرفته است، مسئله جمعیت با ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور پیوند خورده و دستیابی به جمعیت مطلوب مستلزم توجه همه‌جانبه به تحکیم بنیان خانواده، تسهیل ازدواج جوانان، حمایت از فرزندآوری، تامین سلامت و فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و الزامات مورد نیاز خانواده‌هاست.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به مسئولیت دستگاه‌های اجرایی در اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰، افزود: سازمان بازرسی کل کشور در راستای سیاست‌های کلی جمعیت و سند تحول و تعالی قوه قضاییه، از نخستین دستگاه‌هایی بود که با هدف نظارت بر حسن اجرای این قانون، قرارگاه نظارت بر اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را تشکیل داد و از سال نخست ابلاغ قانون، برنامه‌های نظارتی و بازرسی را در این حوزه به اجرا گذاشت.

وی با اشاره به نتایج اقدامات نظارتی سازمان تصریح کرد: پیگیری‌های بازرسی‌های تخصصی، نظارت بر عملکرد دستگاه‌های مسئول و ارائه پیشنهادهای اصلاحی، به اثربخشی‌های قابل توجهی از جمله رشد چندین برابری واگذاری زمین، پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری بالاتر از سهمیه ابلاغی بانک مرکزی، افزایش مبلغ ریالی تسهیلات، تدوین و تصویب بیش از ۵۰ آیین‌نامه و دستورالعمل مرتبط با قانون و تعقیب کیفری و انضباطی برخی مدیران مستنکف منجر شده است؛ به گونه‌ای که پیشرفت اجرای قانون در دستگاه‌های اجرایی طی سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ در مقایسه با دو سال نخست اجرای آن، رشد دو برابری داشته است.

جهانگیر با تاکید بر ضرورت ارتقای سطح اقدامات نظارتی سازمان در این حوزه، دستورات مشخصی را برای تشدید نظارت بر اجرای قانون صادر کرد و خواستار فعال‌سازی حداکثری قرارگاه نظارت بر اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، احصای دقیق تمامی تکالیف قانونی دستگاه‌ها و شناسایی موارد اجرانشده و مغفول‌مانده شد.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور تاکید کرد: بازرسی‌های تخصصی باید با بررسی دقیق عملکرد دستگاه‌های مسئول، موانع اجرایی و قانونی پیش روی اجرای قانون را شناسایی و برای رفع آنها اقدام کنند. هیچ یک از تکالیف قانونی دستگاه‌ها نباید بدون مطالبه و پیگیری باقی بماند و در مواردی که عدم اجرای قانون ناشی از استنکاف یا ترک فعل مدیران است، موضوع باید بدون اغماض از مسیرهای قانونی و نظارتی تا حصول نتیجه پیگیری شود.

وی بر ضرورت تعیین مسئولیت هر یک از بازرسی‌های تخصصی در پیگیری تکالیف دستگاه‌های ذی‌ربط تاکید کرد و افزود: گزارش‌دهی صرف از وضعیت اجرای قانون کافی نیست؛ بازرسی‌ها باید تا رفع موانع، اجرای تکالیف بر زمین‌مانده و تحقق نتایج مورد انتظار، موضوع را به‌صورت مستمر دنبال کنند. پیشنهادهای اصلاحی نیز باید از مرحله ارائه فراتر رفته و اجرای آنها تا حصول نتیجه نهایی مورد پایش قرار گیرد.

وی تاکید کرد: هیچ دستگاهی نباید در انجام مسئولیت‌های قانونی خود با کم‌کاری یا ترک فعل از پاسخگویی مصون بماند و سازمان بازرسی باید با نظارت مستمر، مطالبه‌گری موثر و پیگیری قاطع، اجرای کامل قانون و صیانت از حقوق خانواده‌ها را تا حصول نتیجه دنبال کند.

تامین حقابه محیط‌زیستی مهم‌ترین چالش احیای تالاب‌ها

یک کارشناس آب و محیط زیست با اشاره به وضعیت بحرانی برخی تالاب‌های کشور، تامین نشدن حقابه محیط زیستی و مدیریت نادرست منابع آب را از مهم‌ترین عوامل خشک شدن و کاهش سطح آب تالاب‌ها دانست.

به گزارش «مهر» محسن موسوی، کارشناس آب و محیط زیست درباره وضعیت تالاب‌های کشور و دلایل خشک شدن یا کاهش سطح آب آنها اظهار کرد: برای بررسی وضعیت تالاب‌ها نیز باید شرایط هر حوزه آبریز را به‌صورت جداگانه ارزیابی کرد و نمی‌توان درباره همه تالاب‌های کشور یک حکم کلی صادر کرد.

وی افزود: برای نمونه، تالاب هورالعظیم در حوزه آبریز کرخه و دریاچه ارومیه در حوزه آبریز مربوط به خود قرار دارند و هرکدام شرایط متفاوتی دارند. در مقابل، برخی تالاب‌های واقع در فلات مرکزی مانند گاوخونی، بختگان و دریاچه نمک قم با وضعیت خشکی و کم‌آبی جدی مواجه هستند.

این کارشناس آب با تاکید بر نقش تامین حقابه محیط زیستی در احیای تالاب‌ها گفت: یکی از دلایل اصلی خشک شدن تالاب‌های فلات مرکزی، نرسیدن حقابه محیط زیستی به آنهاست. برای مثال، تالاب گاوخونی به بیش از ۱۴۰ میلیون متر مکعب حقابه محیط زیستی نیاز دارد، اما به دلیل افزایش مصارف کشاورزی و شرب در مسیر زاینده‌رود، بخش قابل توجهی از منابع آبی پیش از رسیدن به تالاب مصرف می‌شود و در نتیجه حقابه مورد نیاز آن تامین نمی‌شود.

موسوی ادامه داد: موضوع تامین حقابه تالاب‌ها مسئله‌ای پیچیده است و صرفا با اعلام میزان حقابه نمی‌توان انتظار داشت که این منابع آبی به تالاب‌ها برسند. برای نمونه، هورالعظیم حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون مترمکعب حقابه دارد، اما تامین این میزان آب با توجه به وجود پنج استان در بالادست و مصارف مختلف کشاورزی و شرب، نیازمند برنامه ریزی و هماهنگی گسترده است.

وی خاطرنشان کرد: احیای تالاب‌ها تنها به اقدامات فنی و تخصیص آب محدود نمی‌شود، بلکه باید مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد. ایجاد مشاغل جایگزین برای جوامع محلی، مدیریت مصارف کشاورزی و همکاری استان‌های بالادست از جمله اقداماتی است که می‌تواند در تامین حقابه و بازگشت تالاب‌ها به شرایط طبیعی موثر باشد.

آگاه
روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه ۷۰۳

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
agaah_ir m@agaah.ir www.Agaah.ir

دوشنبه
۹ آذر ماه ۱۴۰۵
۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۳۰ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۲۴
اذان ظهر	۱۱:۵۲
اذان مغرب	۱۷:۱۱
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۸

به جای جملات تند، این ترکیب‌ها را به کار ببرید!

گاهی با فرزندمان زیاد صحبت می‌کنیم، اما احساس می‌کنیم ارتباط موثری میان ما شکل نمی‌گیرد. مشکل همیشه کم حرف زدن نیست! گاهی تصور می‌کنیم مشکل رابطه ما با فرزندمان این است که به اندازه کافی با او صحبت نمی‌کنیم، اما وقتی دقیق‌تر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم اتفاقا زیاد هم حرف می‌زنیم، ولی همچنان بازخوردی نمی‌گیریم و ارتباطی که انتظار داریم شکل نمی‌گیرد. مطهره زمانیان، کارشناس ارشد پرستاری کودکان و تسهیل‌گر مادر و کودک، به این مشکل در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان پاسخ می‌دهد.

جمله‌های تند، مزه فلفلی دارند

او تاکید می‌کند: «مسئله، همیشه کم حرف زدن یا حرف نزدن نیست؛ گاهی مشکل اصلی، شیوه صحبت کردن ماست؛ شیوه‌ای که به‌جای ایجاد ارتباط، فاصله میان ما و فرزندمان را بیشتر می‌کند.» به گفته این کارشناس، بهتر است والدین در طول روز کمی گفت‌وگوهای خود با فرزندشان را زیر نظر بگیرند و ببینند چه جملاتی از صبح تا شب میان آنها ردوبدل می‌شود.

وقتی کلمات ما به عزت‌نفس کودک آسیب می‌زنند

زمانیان با اشاره به تاثیر تکرار این جملات بر کودک توضیح می‌دهد که البته همه ما انسان هستیم و ممکن است گاهی به دلیل خستگی، ناراحتی یا عصبانیت، کنترل کلام‌مان را از دست بدهیم و حرف‌هایی بزنیم که بعدا از گفتن آنها پشیمان شویم. او معتقد است این اتفاق ممکن است برای هر پدر و مادری پیش بیاید؛ اما نکته مهم این است که جبران کردن و ترمیم رابطه را بلد باشیم.

تصویر توی ذهن کودک‌تان چه شکلی است؟

به گفته این کارشناس، کودک ممکن است این جملات را در ذهن خود درونی کند و به باورهایی مانند «من همیشه اشتباه می‌کنم»، «همه چیز را خراب می‌کنم»، «هیچ‌کس از من راضی نیست» و «من دوست داشتنی نیستم» برسد. حتی ممکن است تصور کند اگر اشتباه کند، ارزشمند نیست، تنبیه می‌شود یا دیگرکسی او را دوست نخواهد داشت.

رفتار کودک، آینه باورهای اوست!

زمانیان توضیح می‌دهد که این باورها فقط به احساس کودک درباره خودش محدود نمی‌شوند، بلکه می‌توانند بر رفتار او نیز تاثیر بگذارند. به‌تدریج ممکن است کودک در برابر والدین لجبازی کند، اضطراب بیشتری را تجربه کند یا به سمت دروغ‌گویی و پنهان‌کاری برود. او به این نکته اشاره می‌کند که کودک ممکن است کم‌کم به این نتیجه برسد که صحبت کردن با مامان فضای امنی نیست؛ بنابراین ترجیح می‌دهد تا جایی که می‌تواند از گفت‌وگو و برقراری ارتباط با او فاصله بگیرد.

به جای «تو چقدر شلخته‌ای»، چه بگوییم؟

این کارشناس با تاکید بر تفاوت میان اصلاح رفتار کودک و زیر سوال بردن شخصیت او می‌گوید: «قرار نیست وقتی از رفتار فرزندمان ناراحت هستیم یا می‌خواهیم به او تذکر بدهیم، شخصیتش را زیر سوال ببریم.» برای مثال، اگر وارد اتاق فرزندمان شدیم و با اتاقی نامرتب روبه‌رو شدیم، بهتر است به‌جای جملاتی مانند «تو چقدر شلخته‌ای!» یا «اصلا مسئولیت‌پذیر نیستی!» از شیوه دیگری برای گفت‌وگو استفاده کنیم. می‌توانیم به او بگوییم: «می‌بینم اتاقت نامرتب است. قرار من چه بود؟ قرار بود اتاقت را مرتب کنی. حالا به من بگو تا چه ساعتی می‌توانی اتاقت را جمع و جور کنی؟» به این ترتیب، به‌جای برچسب زدن به کودک، درباره رفتار او صحبت می‌کنیم و فرصت اصلاح آن را در اختیارش قرار می‌دهیم.

ارتباط شیرین را خودتان بسازید

هدف ما از تذکر دادن باید اصلاح رفتار کودک باشد، نه اینکه با کنایه، سرزنش و تحقیر، احساس ارزشمندی او را از بین ببریم. به یاد داشته باشیم که فرزندان ما بیش از آنکه به والدینی بی‌اشتباه نیاز داشته باشند، به والدینی نیاز دارند که بتوانند با آنها ارتباطی امن، صمیمانه و همراه با احترام برقرار کنند.

آب و هوا

باران و برف کشور را فرا می‌گیرد



سازمان هواشناسی با اشاره به ورود سامانه بارشی به کشور از تشدید فعالیت این سامانه طی روزهای آینده خبر داد.
بررسی نقشه‌ها و الگوهای هواشناسی نشان می‌دهد امروز، دوشنبه با نفوذ بیشتر این سامانه علاوه بر مناطق مذکور استان‌های ایلام، لرستان، همدان، خوزستان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران و دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی نیز شاهد رگبار، رعدوبرق و وزش باد شدید خواهند بود. در مناطق سردسیر و کوهستانی بارش برف پیش‌بینی می‌شود.
روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه فعالیت این سامانه در نیمه غربی کشور تقویت می‌شود و چهارشنبه علاوه بر مناطق مرکزی، گستره بارش به شمال شرق و شرق کشور نیز کشیده خواهد شد. پنج‌شنبه در بیشتر مناطق کشور بارندگی پیش‌بینی می‌شود که شدت بارش‌ها در شمال شرق و دامنه‌های زاگرس جنوبی بیشتر خواهد بود. ضمن اینکه از فردا و به‌ویژه از سه‌شنبه تا پایان هفته، کاهش محسوس دما در مناطق تحت تاثیر سامانه بارشی رخ خواهد داد. سه‌شنبه و چهارشنبه خلیج فارس و دریای خزر مواج خواهند بود.



گل‌آرایی ضریح حضرت معصومه(س) به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س)
گل‌آرایی ضریح مطهر بانوی کرامت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها به مناسبت ولادت ام‌ابیها حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها از سوی خادمان این آستان انجام پذیرفت.

عکس: خبرگزاری مهر

چطور از سنگ کلیه پیشگیری کنیم؟

بخشی از بدن وجود دارد که بی‌سروصدا به دریافت آب وابسته است: دستگاه ادراری. آب نقش مهمی در حفظ سلامت دستگاه ادراری ایفا می‌کند. اما اگر مصرف مایعات روزانه کم شود چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر دچار سنگ کلیه یا عفونت ادراری شویم چه کنیم؟ کلیه‌ها به طور مداوم مواد زائد و ترکیبات اضافی را از خون تصفیه می‌کنند. آب به دفع این مواد از بدن از طریق ادرار کمک می‌کند. با این حال، هنگامی که میزان دریافت مایعات کافی نباشد، ادرار غلیظ می‌شود و این امر موجب تجمع مواد معدنی و نمک‌ها می‌شود. یکی از نگرانی‌های رایج مرتبط با عدم دریافت آب کافی، تشکیل سنگ کلیه است.
اما برای کاهش ایجاد خطر سنگ کلیه، ابتلا به عفونت ادراری و آسیب به مثانه نوشیدن مایعات و به ویژه آب ضروری است، اما چطور این کار را انجام دهیم؟

- **یک بطری شخصی همراه داشته باشید:** از یک بطری آب بزرگ و قابل استفاده مجدد استفاده کنید و آن را همیشه روی میزکار یا همراه خود داشته باشید.
- **زنگ هشدار یادآور تنظیم کنید:** از تلفن همراه خود یا اپلیکیشن‌های مخصوص یادآوری استفاده کنید تا هر ساعت به شما نوشیدن آب را یادآوری کنند؛ به‌ویژه زمانی که غرق در کار هستید.
- **یک روتین صبحگاهی ایجاد کنید:** نوشیدن یک تا دو لیوان آب بلافاصله پس از بیدار شدن و پیش از نوشیدن قهوه یا چای صبحگاهی را به عادتی همیشگی و غیرقابل حذف تبدیل کنید.
- **نوشیدن آب را با فعالیت‌های روزمره همراه کنید:** پیش از هر وعده غذایی و هر بار که قهوه یا چای می‌نوشید، یک لیوان کامل آب بنوشید.
- **بدون افزودن شکر، به آب طعم بدهید:** اگر نوشیدن آب ساده برای‌تان کسل‌کننده است، می‌توانید برش‌هایی از لیمو، خیار، برگ نعناع یا انواع توت‌ها به آن اضافه کنید تا طعمی طبیعی و دلچسب، بدون نیاز به شکر یا طعم‌دهنده‌های مصنوعی، به دست آید.
- **نوشیدنی‌های سالم را جایگزین ناسالم کنید:** گاهی اوقات، به جای نوشیدنی انرژی‌زا یا فنجان دوم قهوه، یک لیوان آب بنوشید.

سبک زندگی

طرز تهیه کیک صبحانه خانگی

ساده، لطیف و خوش‌عطر برای تغذیه مدرسه

کیک صبحانه خانگی با بافتی لطیف و طعم شکلات چیپسی، گزینه‌ای خوشمزه برای صبحانه و میان‌وعده دانش‌آموزان است. با این دستور ساده می‌توانید یک کیک خوش‌عطر و دلچسب در خانه بپزید.
کیک‌ها از جمله دسرها و عصرانه‌های خوشمزه و دلپذیر در سراسر دنیا هستند که در انواع میوه‌ای، خامه‌ای، شکلاتی، پنیری و... تهیه می‌شوند که هرکدام طرفداران خاص خود را دارند. اگر سری به قنادی‌ها بزنید با دنیای متنوعی از کیک‌های میوه‌ای، شکلاتی، کیک تولد، چیزکیک، انواع پای و... روبه‌رو می‌شوید که انتخاب میان آنها بسیار سخت است.

مواد لازم برای پخت کیک صبحانه

تخم مرغ: ۳ عدد
کره: ۱۸۰ گرم
آرد سفید قنادی: ۲۷۰ گرم
شکر: ۲۰۰ گرم
بکینگ‌پودر: نصف قاشق چای‌خوری
وانیل: نصف قاشق چای‌خوری
شکلات چیپسی: ۷۰ گرم + ۲ قاشق غذاخوری آرد

طرز تهیه کیک صبحانه

برای درست کردن این کیک خوشمزه ابتدا کره نرم را که به دمای محیط رسیده است، توی یک کاسه مناسب بریزید و شکر و وانیل را اضافه کنید. با دور تند همزن یک دقیقه هم بزنید تا شکر کاملا باز شود. حالا تخم مرغ‌ها را یکی یکی اضافه کنید و هرکدام را ۳۰ ثانیه هم بزنید. خامه صبحانه را اضافه کنید و در حد مخلوط شدن هم بزنید. همزن را کنار بگذارید. آرد و بکینگ‌پودر را که از قبل با هم مخلوط کرده‌اید، کم کم به مایه کیک اضافه کنید و با لیسک از یک جهت هم بزنید. در نهایت ترکیب شکلات چیپسی و آرد را به مایه کیک اضافه کنید و هم بزنید تا مخلوط شود. کف قالب را چرب یا کاغذ روغنی پهن کنید. مایه کیک را توی قالب بریزید. قالب را توی فر ۱۸۰ درجه که از قبل گرم کرده‌اید، به مدت ۴۵ دقیقه قرار بدهید تا کیک بپزد. بعد از پخت، قالب را از فر خارج کنید تا از حرارت بیفتد، سپس کیک را از قالب خارج کنید. نوش جان.

نکات کلیدی درست کردن کیک

- **به دمای محیط رساندن مواد:** برای درست کردن کیک مواد اولیه را به دمای محیط برسانید. بنابراین سعی کنید حداقل نیم ساعت قبل از شروع، همه مواد را از یخچال خارج کنید و اجازه دهید به دمای محیط برسند. همچنین برای پخت هر کیکی آرد و مواد خشک مثل پودر کاکائو را سه بار الک کنید. این کار باعث هواگیری و سبک شدن آرد می‌شود و در نتیجه بافت کیک شما بهتر می‌شود.
- **دمای مناسب فر:** وقتی قالب را در فر می‌گذارید، باید دقیقا به همان دمای گفته شده در دستور رسیده باشد و در طول پخت هم تغییر دما ندهد. معمولا درجه حرارت و مدت زمان پخت در فرهای مختلف متفاوت است.
- **دقیق بودن اندازه‌گیری:** سعی کنید یک ترازوی دیجیتال و پیمانه‌های استاندارد آشپزی تهیه کنید؛ زیرا در تهیه کیک و شیرینی اندازه‌های دقیق مواد اولیه بسیار مهم است. اندازه‌گیری با ترازوی دیجیتال نسبت به پیمانه‌ها دقیق‌تر است.
- **دورگیری:** همیشه زمان به هم زدن تخم مرغ چندین بار همزن را خاموش کنید و اطراف ظرف را با کمک لیسک تمیز و داخل ظرف بریزید تا ذره‌ای از تخم مرغ به صورت هم نزده داخل کیک نباشد، وگرنه با وجودی که از وانیل یا اسانس استفاده می‌کنید، بازکیک بوی تخم مرغ می‌گیرد. خیلی از افراد فکر می‌کنند که وانیل و طعم‌دهنده‌ها بوی بد تخم مرغ را از بین می‌برد. در حالی که این فکر اشتباه است. آنچه بوی بد تخم مرغ را از بین می‌برد، درست هم زدن تخم مرغ است. پس این مرحله را با دقت انجام دهید.
- **انتخاب قالب مناسب:** در انتخاب قالب کیک دقت کنید. اگر قالب نسبت به مواد کوچک یا بزرگ باشد، نتیجه مطلوبی نمی‌گیرد. همیشه باید قالبی انتخاب کنید که وقتی مواد کیک را در آن ریختید، یک سوم قالب خالی بماند. البته همه این موارد نیاز به تجربه دارد. شاید بار اول متوجه نشوید که چه قالبی مناسب است. باید چند بار کیک درست کنید تا چشم شما به اندازه‌ها عادت کند و بتوانید سریع قالب مناسب را انتخاب کنید.
- **جنس قالب:** در پخت کیک انتخاب جنس قالب مهم است. قالب‌های متنوع و گران‌قیمت زیادی در بازار موجود است. وقتی برای خرید قالب مراجعه می‌کنید باتوجه به تنوع ممکن است در انتخاب قالب سردرگم شوید. یکی از بهترین قالب‌ها برای تهیه انواع کیک که نسبت به سایر قالب‌ها قیمت مناسبی هم دارد، قالب‌های گالوانیزه است که معمولا از همه لوازم قنادی‌ها می‌توانید تهیه کنید و در طرح‌ها و شکل‌های مختلف موجود است.
- **بازنکردن در فر هنگام پخت:** یک نکته خیلی مهم که در پخت انواع کیک باید رعایت کنید، این است که در فر را قبل از ۳۰ دقیقه به هیچ عنوان باز نکنید. اگر این کار را انجام دهید، تمام زحمات‌تان هدر می‌رود، زیرا در این صورت کیک شما پف نمی‌کند.
- **استفاده از مواد مرغوب و تازه:** سعی کنید از مواد اولیه مرغوب در پخت کیک و شیرینی استفاده کنید. اگر مواد شما مرغوب نباشد، به هیچ عنوان نتیجه مطلوبی نمی‌گیرید. به عنوان مثال ممکن است همه نکات را رعایت کرده باشید، اما در نهایت کیک شما سفت شده است. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که از آرد مرغوب استفاده نکرده‌اید.



#تجربه_کردم

فضای مجازی، وقتت رو می‌دزده...
جو «من کسی‌ام» می‌ده به آدم...
اما گاهی...
کسی...
در جایی (که نمی‌دونی و نمی‌شناسی‌ش)، به یه تصویر یا یه مطلب ساده تو زنده‌س رفیق!
این همون آدمیه که اگه رفیق...
همسر...
هم‌کلاس...
هم‌هیات...
همسفر و خلاصه هرچه بود، «بهترین»‌ش می‌شد برات.
فقط از خود «خدا» بپرس که اون کیه و کجاست؟...
بخواه که پیداش کنی...
پیدات کنه!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

ابداع اپلیکیشن ورزشی ویژه زنان بدون شرط‌بندی با پول

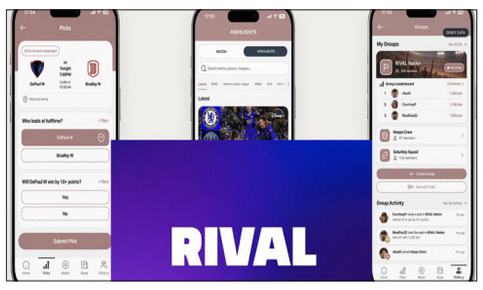

یک اپلیکیشن ورزشی جدید قرار است نحوه تعامل هواداران را با ورزش زنان تغییر دهد و این کار را بدون استفاده از شرط‌بندی با پول واقعی انجام می‌دهد که در دنیای ورزش به طور فزاینده‌ای رواج یافته است.
به نقل از تک کرانچ، این اپلیکیشن که «رایوال» نام دارد، به طور رسمی همزمان با مسابقات قهرمانی «لیگ ملی فوتبال زنان»(NWSL) در «اپ استور» و «گوگل پلی استور» عرضه شد. کاربران در رایوال می‌توانند به صورت رایگان پیش‌بینی‌هایی را انجام دهند، امتیاز به دست بیاورند، در جدول‌های رده‌بندی به رقابت بپردازند، گروه تشکیل دهند یا به گروه‌های موجود بپیوندند و با دیگر هواداران ارتباط برقرار کنند. این پلتفرم، مرجعی برای آشنایی با ورزش زنان است و برنامه مسابقات، نتایج، اخبار، گزیده رویدادها و اطلاعات مربوط به نحوه تماشای رقابت‌ها را در یک جا گرد هم می‌آورد.
این اپلیکیشن زاییده افکار «کلی دی پائولا» است که از تجربه‌های پیشین او می‌توان کار برای «باربارا استرایسند» و تهیه‌کنندگی برنامه‌های تلویزیونی بدون فیلمنامه از جمله «Selling Sunset» در «نتفلیکس» را نام برد. این ایده از ناامیدی دی پائولا از اپلیکیشن‌های ورزشی سنتی که تمایل دارند امتیازات و آمار را بر تجربه هواداران اولویت دهند، نشأت گرفت. دی پائولا به جای ایجاد یک پلتفرم دیگر برای بررسی نتایج بازی‌ها، پلتفرمی را مختص ورزش زنان در نظر گرفت که در آن هواداران بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، جامعه‌ای را تشکیل دهند و احساس تعلق بیشتری را به بازی‌هایی که دنبال می‌کنند داشته باشند.
این چشم‌انداز در زمانی مطرح می‌شود که ورزش زنان از نظر تعداد تماشاگران حاضر در ورزشگاه‌ها و بینندگان تلویزیونی، رشدی بی‌سابقه را تجربه می‌کند. با وجود این، افزایش دیده شدن لزوما به معنای تجربه‌ای بهتر برای هواداران به ویژه زنانی که در جوامع ورزشی جریان اصلی در فضای آنلاین حضور دارند نیست.
یکی دیگر از تفاوت‌های اصلی، تصمیم رایوال برای دوری کامل از شرط‌بندی‌های ورزشی با پول واقعی است. در عوض، این پلتفرم بر چیزی تمرکز دارد که شرکت آن را «رقابت دوستانه» توصیف می‌کند و به کاربران امکان می‌دهد تا بدون نیاز به سرمایه‌گذاری پول، پیش‌بینی کنند و با دوستان خود به رقابت بپردازند.
دی‌پائولا خاطرنشان کرد هدف نهایی، پوشش دادن همه ورزش‌هایی است که زنان در آنها فعالیت می‌کنند؛ از جمله ورزش‌هایی که در گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این امر مستلزم بررسی فرصت‌های همکاری برای بهبود دسترسی به داده‌ها درباره ورزش‌ها و لیگ‌هایی است که تاکنون کمتر به آنها پرداخته شده است.

چت جی‌پی‌تی روی موبایل‌های اندروید تماس می‌گیرد و پیامک می‌فرستد



خالق چت جی پی تی مشغول آزمایش ویژگی‌های بیشتری روی اپ خود روی اندروید است که امکان کنترل بخش‌هایی از موبایل را به آن می‌دهد.
به نقل از اندروید اتوریتی، برخی طرفداران چت جی‌پی‌تی آن را به جمینای ترجیح می‌دهند. آنها در حال حاضر می‌توانند چت بات اوپن‌ای‌آی را به عنوان دستیار پیش فرض خود روی دستگاه‌های اندرویدشان انتخاب کنند. اما حتی در آن زمان قابلیت‌های فعلی چت بات به حالت صوتی و پاسخگویی به جست‌وجوهای متنی فرد محدود می‌کند. اما اکنون اوپن‌ای‌آی احتمالا مشغول فعالیت است تا به چت جی‌پی‌تی قابلیت کنترل بیشتری بر دستگاه‌های اندروید بدهد.
به نظر می‌رسد این شرکت روی یکپارچه‌سازی عمیق‌تر چت جی‌پی‌تی در اندروید کار می‌کند و دستیار هوش مصنوعی به زودی می‌تواند فعالیتی فراتر از فقط چت کردن با کاربر داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد قابلیت‌های آتی چت جی‌پی‌تی شامل برقراری تماس، ارسال پیامک، کنترل محتوا و موارد بیشتر است.
در نسخه ۱.۲۰۲۶.۳۲۸ زنجیره‌هایی مرتبط با مجوزهایی وجود دارد که چت جی‌پی‌تی ممکن است قبل از انجام برخی فعالیت‌ها مانند برقراری تماس، بررسی فهرست مخاطبان یا حتی خوانش و ارسال پیام‌های متنی، از کاربر درخواست کند.
در کنار این موارد برخی زنجیره‌ها حاکی از آن هستند که احتمالا به چت جی‌پی‌تی اجازه داده می‌شود محتوای رسانه‌ای در موبایل کاربر را با استفاده از دسترسی به نوتیفیکیشن‌ها بیابد و کنترل کند. علاوه بر آن چت جی‌پی‌تی می‌تواند آهنگ‌ها را در دستگاه‌های اندروید پخش یا متوقف کند.
چت جی‌پی‌تی در کنار کنترل پخش محتوا در موبایل، برقراری تماس یا ارسال پیامک می‌تواند آنچه روی نمایشگر دستگاه فرد دیده می‌شود ببیند و از آن برای کمک به جست‌وجوهای وی استفاده کند.